(هو المستعان)

—﴾ قسمت اوّل از ﴿—

(مدرسهٔ سيّار) ترجمهٔ (الرحلة المدرسية والمدرسة السيارة)

اعداد توریة از ترجمه «بروس» چاپ لندن نقل میشود وحسب الامر . . . سائرجملات ترجمهٔ تحت اللفظ گردیده . بقلم اختیاری بنده نیست ﴾ مترجم ع . و ﴿

—﴾ درخواست ﴿—

هرگونه اعتراض یا بحث یابیانی راجع بمندرجات این کتاب بنظرخوانندگان محترم برسد بحضرت مؤلف مراجعه نمایند . خدمتی بعالم معارف خواهد بود

بشرکت جمعی محترمین از علاقه مندان عالم اسلامی تبریز ایّدهم الله بطبع رسید

محلّ فروش دو تبریز بازار شیشه گرخانه کتابخانه سروش . و .

(طبع بالمطبعة ﴾ الحيدريّة ﴿ فى النجف الأشرف)

(لصاحبها الحاج شيخ محمد صادق واخيه الشيخ محمد)

(ابراهيم حفظهما الله سنة ١٣٤٦ هجريّة)

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

الحمدلله باریٔ الخلق. الهادی الی الحق . الموفق للصواب . نحمده ونشکره ونستعین به ونسئله النجاة من زلل الأهوآء وزیغ الضلال وعمی التقلید . ونصلی علی رسله وانبیآئه واولیائه قادة الخلق الی الحق

— ﴿ بنام خداوند بخشندهٔ مهربان ﴾ —

ستایش سزاوار یکتاستی * که گردون باحمد بیاراستی

نه بیهوده گویم درخشان بود * کتابی بدادش که فرقآن بود

ره از برتکامل کسی بایدش * دران بنگرد تا که بنمایدش

بدانش پژوهان زمن نکتهٔ ایست * که در قید تقلید تا چند زیست

قدم رنجهٔ سوی برهان کنند

پس انگاه تصدیق قرآن کنند

سپس این نظریات دینی ونتائج فکری را به (مدرسهٔ سیّار) نامیده وبرای زیادتی بصیرت انرا بطریق سؤآل وجواب از لحاظ خوانندگان محترم میگذرانم . خودرا «عمانوئیل» (۱) پسر «الیعازر» (۲) نمایش داده . میگویم . قسّی (۳) عاورد

---

(۱) لفظ عبرانیست . ترجمه «خدا باما» (۲) . . خدا یار (۳) قس عالم روحانی نصاری

کرد . ورود اورا غنیمت شمرده رفع شبهاتیکه در ذهن سیّار وسیّاحم خلجان مینمود از او خواستار شدم ﴿ گفتم ﴾ ـ جناب قس ـ آیا ممکن است از فوائد روحانیت محترم بهرمند شده . در تعلیم وارشادم خود داری نفرمائید ؟

(قس) بله بله وظیفهٔ روحانیت من است . واز این جهت شب زنده داری نموده وباین رتبهٔ شایان ومقام برجسته رسیده ام وامید وارم روز پسین هم برمائدهٔ مسیح جلوس نمائیم

(عمانوئیل) تشکر مینمایم . امید است از لطف سرشار وحسن تحمل در سؤالاتیکه ناگوار بمذاق دیانت وروحانیت محترم است متنوّر و بهره مند گردم

﴿ قس ﴾ سؤال کن آنچه دربیان شبهه ضروریست « تا بهره بری و بهره بخشي »

﴿ عمانوئیل ﴾ مگذار اسیر جهل باشم . بروحانیت خود دست گیرم فرمائید

﴿ قس ﴾ روح القدس برتو حلول نموده دستگیر خواهد بود

نصاری روحانیان خود را پدر مینامند

﴿ الیعازر ﴾ . فرزند . چرا برسوم ادب مکالمه نمینمائی ؟

اسقف بر اوقات گرانبها ئیست که در ازآء تربیت گذاشته ام

(عمانوئیل) سرزنش موجب گرفتگی خاطراست . وشخصرا ذلتنگ میدارد . منکه در احترامات حضرت قس فرو گذار نبوده ام

(الیعازر) آیا نمیدانی این شخص بمقام روحانیتش شایسته انستکه درمقام تکلم ـ بأو « ای پدر » خطاب نمائی چنانچه نزد مسیحیان مرسوم است . مگر درجرائد . ومجلات . وکتب انها ندیده ؟ « الأب فلان . الأب فلان . الاباء الیسوعیون » اگرچه معذورید زیرا مجالسه بامسلمانان تضییع آداب مسیحیه مینماید

(عمانوئیل) ـ پدر ـ بدیهی است که تقوی ونجاتم را خواهان بوده وهستید چگونه میفرمائید مخالفت مسیح وانجیل را داشته ومرتکب شوم امریکه مسیح در انجیل ازآن نهی فرموده ومقارن باشرک نموده است

(الیعازر) امر تازه است که تاکنون بمسیحیان نرسیده یا انکه انجیل متذکر است ؟

(عمانوئیل) مراجعه فرمائید عدد ۹ باب ۲۳ انجیل متی در خطاب مسیح بگروهان وشاگردانش (وهیچکس را بر زمین

پدر خود مخوانيد زيرا پدر شما يكى است كه در آسمانها است)
(اليعازر) اى پدر. چه ميفرمائيد در اين تازه سرائى عمانوئيل؟
(قس) ـ اليعازر ـ روشن كرد عمانوئيل حقيق كه برغم
كتاب مقدس مستور بود . من هم ازاين خطاب منزجر بوده ام
ونظر بعلاقه مندى مفرطى كه برادران روحانيم براين خطاب
داشته ودارند. تاكنون اظهار عقيده نموده وازنهى وابراز انزجار
خود دارى مينمودم . اينك اظهار عقيده مينمايم « چون حق كشي
نتوان درجواب پرسنده » البته سپس مرا باين لقب خطاب نمائيد
(اليعازر) ـ جناب قس ـ چون در پسر من معرفت وحريّت
ضمير مشاهده ميداريد اميد است بر ما منّت گذاشته درارشاد
وتعليمش فرو گذار نفرمائيد
﴿ عمانوئيل ﴾ نظر بدرخواست پدرم قس در تعليم وارشادم
خود دارى نفرموده باجوبه مسائل خورسندم ميداشت . تادر
مجلسى ذكر عالَم وپيدايش پيش آمد نمود وهركس بحسب عقائد
امروزه اظهاراتى داشت . ولى . افكار آنها بمذاق ديانتيم
صعب وناگوار بود . تمنى كرده درصورت اجازه مطلب را بر
وفق اصول معقوله آلهيين مشعشع داريم . چون . اينگونه

امور محتاج باساس متین واصل محکمی است که باز گشت بتقلید نداشته وحقائق منزّهه را مستور ندارد

﴿ اهل مجلس ﴾ صحیح است . هرگونه مائلید مذاکره نمائید

﴿ عمانوئیل ﴾ . جناب قس . متمنی است بر وفق کتاب مقدس پیدایش را توضیح دهید

﴿ قس ﴾ آیا توریة نزد شما موجود است

(عمانوئیل) نسخ عبرانی . عربی . فارسی . غیرآنها حاضر است

(قس) سفر پیدایش را بخوان

(عمانوئیل) خواندم عدد ۲ و ۳ باب ۲ سفر پیدایش « وروز هفتم خداوند از همه کار خود که ساخته بود استراحت نمود «۱» ۳ پس خداوند روز هفتم را مبارک گردانید واو را تقدیس نمود زیرا در این روز استراحت نمود «۱» از همه کار خود که آفریده وساخت » گفتم . جناب قس . آیا برای خداوند در ایجاد مخلوقات تعبی است . تا استراحت نماید پس از فراغت ؟

«۱» اگرچه در بعض تراجم به « آرام گرفت » ترجمه شده . ولی . دراصل عبرانی « یشبت » است وترجمهٔ صحیح آن « استراحت نمود » میباشد

آیا این تعبیر نسبت بخداوند زشت و بی مغز نیست ؟

﴿ قس ﴾ تسامح در تعبیر فرموده و در توریة تعبیراتی است که خارج از قلم ادبی میباشد . بلکه باندازه وحشت آور است .
بزودی نفرت مورزید « دور از ادب افتد آنکه نفرت ورزد »

—﴿ جمعیت کتاب الهدایه . توریة . روز هفتم ﴾—

(عمانوئیل) شنیدن ادب است . ولی . سؤآل دیگری است که مربوط بهمین شماره است . میگوید « خداوند روز هفتم را مبارك گردانید واورا تقدیس نمود » باانکه جمعیت « کتاب الهدایه » مطبوع بمعرفت مرسلین امریکان درجزء ٤ صفحه ١٨٤ این مطلب را بکلی انکار نموده وجسورانه نوشته اند که خداوند در توریة نفرموده « خداوند روز هفتم را مبارك گردانید وارو ا تقدیس نمود » . متأسفانه نویسندگان الهدایه را دعات هدایت وتقوی دانسته از کذب منزه میشماریم . آیا نمیدانند چشم وگوش مردم باز است ؟ . پیجور حقیقتند

﴿ قس ﴾ بنام مرسلین ومبشرین فریب مخور « فانا من ههنا اتینا » : « زینگوشه شر رما رسیده »

—﴿ عدن . دجله . فرات ﴾—

﴿ عمانوئیل ﴾ خواندم باب ۲ عدد ۸ تا ۱٤ « خداوند خدا باغی در عـدن بطرف مشرق غرس نمود وان آدم را که سرشته بود در اینجا گذاشت ۹ وهر درخت خوش نما وخوش خوراك را از زمین رویانید وهم درخت حیوة در وسط باغ و درخت معرفت نیك وبدرا ۱۰ ونهری ازعدن بیرون آمـد تاباغ را سیرآب کند . ودرانجا منقسم گشته چهار شعبه شد ۱۱ فیشون ـــ ۱۳ جیحون ـــ ۱٤ حداقل « دجله » . فرات » ـ جناب قس ـــ آیا عدن دراینجا ودر کتاب اشعیا عدد ۳ باب ۵۱ وکتاب حزقیال عدد ۹ باب ۳۱ وکتاب یوئیل عدد ۳ باب ۲ همین عدن معروف دربغاز باب المندب است

(قس) ظاهر همین عدن معروف است

﴿ عمانوئیل ﴾ مستحضرید . دجله جاریست ازجبال ارمینیة وفرات ازبلاد ارضروم . فقط تلاقی مینمایند درشط العرب تا خلیج فارس چگونه ممکن است خارج شوند ازعدن ؟!

(قس) مطلبی است . ولی . « اعمال نظر نما که نیکواست » چگونه توریة را دراین مطلب تکذیب نموده یا تصدیق داریم . بگذر وبخوان

—﴿ نهی آدم از درخت . کذب . مار وصدق ﴾—

﴿ عمانوئیل ﴾ عدد ۱۵ باب ۲ تا عدد ۸ باب ۳ « وخداوند خدا آدم را گرفت واورا درباغ عدن گذاشت تا کار آنرا بکند وانرا محافظت نماید ۱۶ وخداوند خدا آدم را فرموده گفت ازهمه درختان باغ بی ممانعت بخور ۱۷ امّا از درخت معرفت نیك وبد مخوری زیرا روزیکه ازان خوردی خواهی مرد . عدد ۱ باب ۳ مار ازتمامی حیوانات صحرا که خداوند خدا ساخته بود هوشیارتر بود به « حوّا » گفت آیا خدا گفته است که ازهمه درختان باغ مخورید ۲ زن بمار گفت ازمیوهٔ درختان باغ میخوریم ۳ لکن ازمیوه درختیکه در وسط باغ است خدا گفت از آن مخورید وانرا لمس مکنید مبادا بمیرید ٤ مار گفت هرآینه نخواهید مرد ۵ بلکه خدا میداند روزیکه ازآن بخورید چشمان شما باز شود ومانند خدایان «۱» عارف نیك وبد خواهید بود ٦ وچون زن دید که ان درخت برای خوراك نیکو است وبنظر خوشنما ودرختی دلپذیر پس ازمیوه اش گرفته بخورد وبشوهر خود نیزداد واو خورد ۷ انگاه چشمهای هردو ایشان باز شده

«۱» عبارت اصل عبرانی « الوهیم » دراین لغت یاء ومیم علامت جمعیت

وفهمیدند که عریانند پس برگهای انجیررا بهم دوخته سترها برای خویشتن ساختند »

عدد ۷ خاتمه یافت توریة را بهم زده مقابل خود بروی میز گذاشتم

(قس) چرا مبهوت نشسته ؟ بخوان . بخوان

◆ عمانوئیل ◆ اجازه میفرمائید سؤآلات خودرا باکمال آزادی بعرض رسانم . توریة کتاب آسمانیست وناچار است دراطراف تصحیح وتأویل ان کوشیده وشبهات خودرا ازلحاظ محترم بگذرانم « شاید ازروزنه پرتوعرفان تابد »

(الیعازر) ای عمانوئیل . مگر درکتاب خداوند شکی است که درحلّ مندرجات ان تمسك بقّس میجوئی ؟ کاش ازمجالست مسلمانها ومراجعت کتب انها ممانعت مینمودم

(عمانوئیل) ـ پدر ـ بنظرمبارکست که درطفولیت ازرفتن مدرسه امتناع ورزیده باکمال جدّیت ترغیب وتشویقم میداشتید . بدیهی است اگرتاکنون درظلمت جهل واسارت تقلید بودم کورانه تصدیق این نوع مطالب را نموده وآنهارا بهترین عقیده میپنداشتم . یادرصورتیکه دوره تحصیلاتم درمدرسهٔ طبیعیات بود دیگر اینگونه دراطراف دیانت کنجکاو نبودم

(قس) ای الیعازر «سرزنش حربه عجز است بگو برهان را»
بگذار رفع شبهات پسرت را بوسیلهٔ برهان نموده واساس دیانتش
را ثابت دارم

(عمانوئیل) - پدر - از این سرزنش استفاده میتوان داشت
بامن همدرد وهم عقیده اید فقط علاقه مندیهای زیاد شما بدیانت
مسیحی جلوگیر اظهار همدردیست . اجازه دهید بحث
نمایم (دخت بحث است هر آن قصه که بی ریب آید) .
الحقیقة بنت البحث

— ﴿ قدس خداوند متعال . دروغ . خدعه ﴾ —

﴿ عمانوئیل ﴾ آیا نزد خداوند متعال کذب وخدعه است ؟!!

(قس) نه . نه . استغفار کنید . چگونه معقول است

(عمانوئیل) پس چگونه خداوند بآدم میفرماید . تا از درخت
نیك وبد خوردید خواهید مرد . باانکه خوردند ونمردند . آیا
این جمله نسبت بخداوند کذب وخدعت نیست ؟ . بگذریم .
«مار» گفت بخورید نخواهید مرد - صدق مار وخیر خواهی
او مضحك است . میگوید . «» بلکه خدا میداند روزیکه از
ان درخت بخورید چشمهای شما باز شود مانند خدایان عارف

نیك و بد خواهید شد - ۷ انگاه چشمهای هر دو ایشان باز شده فهمیدند که عریانند » -- آقای قس -- آیا صدق مار و خیر خواهی او متصوّر است ؟ با انکه عدد ۹ باب ۱۲ مکاشفه یوحنا متذکر داشته ومیگوید « این مار مار قدیمی است که بشیطان موسوم وتمامی مسکون را میفریبد ، بگذریم . قصه فضیحت آور است .

﴿ قس ﴾ مقصود موت جسمانی نیست . زیرا آدم وصیت خداوند را بجای نیاورده مستوجب غضب گردید . وبپاداش این ارتکاب حیوة روحی ازاو سلب شد

(عمانوئیل) این جواب را درجزء ۲ صفحهٔ ۱۳۱ کتاب الهدایه دیده ام . غلط این اعتذار هم از توریة استفاده میشود . زیرا میگوید که آدم قبل از خوردن میوهٔ درخت معرفت نیك وبد را نداشته وبرهنگی خودراتمیزنمیداد . خجلت نمیکشید -- مراجعه کنید چنین شخصی دارای حیوة روحی بوده تااز او سلب شود وکسیکه درك حسن طاعت وقبح معصیت را نداشته تا بطاعت رغبت نماید واز معصیت امتناع ورزد چگونه مغضوب شد ؟ . بلکه سپس دارای حیوة گردیده

بنیك وبد وخیر وشر عارف شد وشایسته ترقیات وعرفان است ـ آقای من ـ مقصود آنستکه نظریّات خود را از لحاظ محترم گذرانیده در صورت صدق تصدیق فرمائید . نه اینکه چشم پوشی فرموده با این درجه سهل انگاری مترصد تقنیع باشید . تصوّر میکنم برای شما بهترین پاسخی است که بزودی اظهار نخواهید فرمود

﴿ قس ﴾ راست است . ولی . ممکن است . مقصود . مورد عروض مرگ باشد . یعنی . خواهی مرد وپایدار نخواهی بود

﴿ عمانوئیل ﴾ این جواب را هم در کتاب الهدایه دیده خلاف آنهم در توریه یافته ام میگوید . آدم را برای بقاء نیافریده واز آن روز که سرشته شد دست تقدیر در جسم او تخم فنا ونیستی کاشت . پس دارای حیوة اَبد نبود تا خوردن ثمره علت عروض مرگ شود . بلکه مبادا از درخت حیوة خورده وزندگانی پایدار نماید سیاست الٓهیّه او را از بهشت خارج نمود . خاتمه باب ۳ مراجعه شود

— قرآن کریم —

﴿ قس ﴾ قرآن ذکر بعضي قصص توریة را مینماید . ببینید آیا در اینقسمت با توریة موافق است ؟

﴿ عمانوئیل ﴾ قرآن همین قصه را تکرار فرموده و واقع گوئی مینماید . نمیگوید آدم قبل از خوردن از شجره عارف نیك و بد نبوده خداوند اورا بمرگ ترسانید . آیهٔ ١١٥ تا ١٢٠ سورهٔ « طه » تذکار میدهد « خداوند آدم را از عداوت ابلیس واخراج بهشت آگاه فرموده واز مشقت دنیوی ترسانید . وفرمود در بهشت گرسنه وعریان وتشنه و گرفتار حرارت آفتاب نخواهی شد . آیه ١١٨ سپس ابلیس وسوسه نمود اظهار داشت . دلالت نمایم تورا بردرخت جاوید و (ملك لا یبلی) ـ آیه ١٩ سورهٔ اعراف » وگفت « یعني ابلیس » نهی نکرده است شمارا خداوند از این درخت مگر اینکه دو ملك بوده یا پایدار مانید . پس دلالت نمود آنهارا بفریب وکذب » . آقای قس . قرآن هم نفرموده . آدم وزنش عارف نیك وبد نبوده از برهنگی خجالت نمیکشند . بلکه آیه ٢٦ سورة اعراف متذکر است قبل از خوردن از درخت لباس داشتند سپس از تن آنها بیرون آورد — قرآن واقع گوئی مینماید . کذب

وخدعه را بشیطان نسبت میدهد (هر جا که حقیقت است گفتار خدا است)

﴿ قس ﴾ تمامی این گذارشرا درقرآن دیده وسنجیده ام

﴿ الیعازر ﴾ اقای قس . کدام یک را تصدیق کنیم . قرآن . یا توریة

﴿ قس ﴾ « پاسخ مطلب گذارمانده » هر وقت فکری صاف یافتم خواهم گفت . ای عمانوئیل . « برخوان که حقیقت است تابان »

﴿ خداوند جسم نیست . چیزی براو پنهان نمیشود ﴾

(عمانوئیل) خواندم عدد ۸ تا ۱۱ باب ۳ « واو « آدم » صوت خداوند خدا را شنید که در هنگام وزیدن نسیم روز در بهشت میخرامید . وآدم وزنش خویشتن را از حضور خداوند خدا درمیان درختان بهشت پنهان کردند ۹ خداوند خدا آدم را ندا درداد وگفت کجا هستی ۱۰ او گفت چون آواز تورا درباغ شنیدم ترسان گشتم زیرا که عریانم پس خود را پنهان کردم ۱۱ گفت تورا که آگاهانید که عریانی آیا ازدرختی که قدغن کردم که ازآن نخوری خوردی » - یکمرتبه بی اختیار

گفتم افسوس . افسوس . آه . آه . (کاین جمله تمام حیرت آور باشد)

(الیعازر) ای عمانوئیل . وسوسه شیطانیه ات باز گشت نمود . بیانات پرت واظهارات نچسب میداری

(قس) . الیعازر . ازینگونه مذاکرات خودداری کرده وپسرت راازحریّت خود باز دار (هر که تشکیک کند چاره بجز برهان نیست)

(عمانوئیل) . اقای قس . توریة میگوید خداوند جسم است . میخرامد . برای او صوت میباشد . آدم ازاو پنهان میباشد . بآدم میگوید کجا هستی . تورا که فهمانید که عریانی . مگر از آن درخت خوردی

(قس) این جمله کلام نبوی است ودران مسامحه گردیده . وقت دیگر علّت را توضیح میدهم

(عمانوئیل) مگر کلام نبوی برمضامین پست ونامعقول جاری میشود ؟ شایسته علم . ادب . جلال خداوند . شرافت نبوت است تادر اینگونه مسامحه شود ؟ . باانکه . (شایستهٔ گفتار ادیبان هم نیست)

﴿ قس ﴾ امید است « مفهّم شوی از کلام یزدان »

خداوند است قادر یکتا

(عمانوئیل) خواندم عدد ۲۲ تا ۲٤ باب ۳ « وخداوند خدا گفت همانا آدم مثل یکی از ما شده است که عارف نیک وبد گردیده اینک مبادا دست خود را دراز کند واز درخت حیوة نیز گرفته بخورد وتا ابد زنده ماند ۲۳ پس خدا اورا از باغ عدن بیرون کرد . وبطرف شرقی باغ عدن شمشیر آتش بار که بهر سو گردش میکرد قرار داد تا طریق درخت حیوة را محافظت کند — اعداد مذکور خاتمه یافت بی اختیار توریة را بسر میز انداخته وگریه کنان برخواستم آه آه تاکی تا چند بواسطه این سؤالات وحشت انگیز پدرم را اذیت دهم . نه . نه . ساکت شوم . (بگذار که دل بسوزد ازغم) . کاش نخوانده بودم

(قس) نظریات خود را در این چند شماره اظهار دار . چیست . چیست ؟ من ضامن رضایت پدر بزرگوارت میباشم . واو از شما ایمان گوارانه نمیخواهد «معذور است» زیرا بواسطه اشتغال بتجارت . وقلت ممارست بعلوم وکتاب مقدس بمواقع سؤالات علمیه شما نمیرسد . انصاف دهیم . حق دارد . این

اعتراضات بزرگ شما بدو باب کوچک توریة شخص غافل را عصبانی مینماید

﴿ عمانوئیل ﴾ معذورم دارید . مدتیست توریة را بتفهم وتأمل خوانده دچار حملات اشکالهای پی در پی بودم . وکسی هم جلوگیر یارافع آنها نبود . اینك بصحبت حضرت قس موفق گردیده ومترصد است بزودی برطرف شوند . اگر مدت زمانی باظهارات علاقه مند رسند حقائق پوشیده خود را عریان جلوه خواهند داد . چکنم پدر بزرگوارم این پیش آمدیك را تقدیر نداشته . منهم احترامات اورا کاملاً منظور میدارم . چاره چیست ؟

(الیعازر) عزیزم . اندوه وگرفتگی شما برمن بسیار سخت ودشوار است . میترسم این شکوك از ضلال اوهام بوده وبالأخره سوء نتیجه بخشد . غیرازانکه کمال وثوق را عراقبت حضرت قس داشته ودارم . امید است از شطحات کلام ویاوه سرائی شما را بازداشته بساحت حقیقت وراستی سوق دهد

(عمانوئیل) بفرمائید مقصود توریة از عدد ۲۳ همانا آدم مثل

یکی ازما شده که عارف نیك وبد گردیده چیست ؟ « ما » چه کسانند ؟ مشاهده نمیفرمائید توریه تصریح بتعدد آلهة مینماید دراصل عبرانی است « یامر یهوه الوهیم » گفت یهوه خداوندان - مگر یاء ومیم در لغت عبرانی علامت جمع نیست ؟ . حاصل . انچه ازاین چند شماره استفاده گردیده آن است . خداوند جلّ وعلا آدم را مانند خود توانا وعارف نیك وبد مشاهده نموده ودراین امر عاقبتی وخیم دید . از نهضت واستقلال درسیاست او خائف گردیده . پیش بینی فرمود وشمشیر آتشبار چرخان را بر محافظت درخت حیوة گمارد « این گفته گر ازخدا است . بر گو . بر گو »

(قس) آهسته . آهسته . سخت باحرارت سؤآل مینمائی . اشکالات پی درپی . ایرادات سر ریز شما بدوکاله سر طرف خواهد شد

﴿ عمانوئیل ﴾ . پدر . منصفانه . اگر بتوریه ومندرجات ان سابقه نداشتید ودر محضر محترم اینگونه مضامین را بخداوند متعال نسبت میدادند آیا تکذیب نمیداشتید ؟

— ﴿ قرآن کریم ﴾ —

(اليعازر) توريةً را كلام خداوند دانسته ولازم است از هر نوع اعتراضات چشم پوشي نمايم - نميدانم در قرآن هم (قصه) بهمين اسلوب بيان گرديده است ؟

﴿ عمانوئيل ﴾ چندين مرتبه بان مراجعه داشته از اين مندرجات شرك آور منزّه است . موجود است مراجعه فرمائيد

(اليعازر) - « خاموش . كه بر تعجب افزود »

ــ﴿ آدم وسر انديب ﴾ــ

(عمانوئيل) درجزيره سر انديب كوهي است موسوم به (آدمْس پيك)

(كوه آدم) - و بين اين جزيره وقاره آسيا تلهاى منتظمى است كه ازعبور سفائن ممانعت مينمايندموسوم به (آدِمْس بريدج) (پل آدم) - جهت چيست انها را بآدم نسبت ميدهند ؟

(قس) مسلمانان بنا بر پيروى پيشينيان خود گذاشته وميگويند — آدم پس از اخراج از بهشت بجزيرهٔ سرانديب هبوط نموده وسپس از ان تلهاى منتظم بآسيا آمد آيا ميتوان گفت اين نسبت براى انها بهترين تأييد تاريخى متسلسل است

(عمانوئیل) ـ حضرت قس ـ در صورتیکه اظهارات مسلمین مطابق باتوریة نبود آیا شایسته است اقوال آنهارا خرافی وافسانه شمرد !

﴿ قس ﴾ نه . نه . شایسته نیست ومگو

(الیعازر) ای عمانوئیل برخیز دراطاق شخصي خودقدری استراحت کن

﴿ عمانوئیل وکتب ﴾

(عمانوئیل) ـ برخواسته ولی دراطراف جواب اخیر قس دقت مینمودم تا برابر تخت خواب خود بروی صندلی نشسته بشکلی که تمامی مکالمات پدرم را باحضرت قس میشنیدم — میگفت . ای حضرت قس گذشته از مجالست بامسلمانان از بیانات عمانوئیل وعاقبت او خائفم . روزی کتاب « اظهار الحق » را برابر او دیده که بانهایت دقّت وفرط رغبت مطالعه مینمود ازاو پرسیدم این کتاب ازکیست ؟ گفت . دانشمندی بزرگ ازمسلمین ـ لذا دوستان خودرا ازاین پیش آمد سوء مستحضر نموده . گفتند . کتاب هاشم العربی . ترجمهٔ مقالات جرجیس سائل باتذییلات . کتاب الهدایه مطبوع بمعرفت

مرسلین امریکان . رحلة الحجازیّه بقلم غریب ابن عجیب برای او خریداری نموده مطالعه نماید . خریده . ولی — متأسفانه دراو ابتهاج واقبالی بمطالعهٔ ان کتب ندیده وفقط وقت مراجعه سر خودرا بشکل مخصوصی حرکت میداد وآهسته زمزمه مینمود

(قس) خریداری این کتب برای او خارج از صلاح ومردمی است . دارای تعصب وخلاف واقع وحق کشی میباشند بالاه — قرائت انها « سوء نتیجهٔ » خواهد بخشید

﴿ الیعازر ﴾ پس ازچند روز نزد او کتبی دیده با کمال بشاشت مطالعه مینمود پرسیدم از کیست ؟ گفت راستی تا کنون دانشمندی در مسلمین بأین شکل عرض اندام نداشته . وصفحات تاریخ عالمی باین درجه خوش محاوره نشان نمیدهد ودر احبار یهود وروحانیهٔ مسیحیان هم شخصی مانند ایمرد مطلع بکتب مقدسه نیست . . .

گفتم (تمجید بنه . زکیست ؟ درچیست) ؟ گفت ۲ جزء الهدی — رسالهٔ « توحید وتثلیث » است . که درمقابل اظهارات سوء هاشم العربی وجمعیت کتاب الهدایه وعبد

المسیح کندی . تألیف فرموده است ـ آقای قس ـ نمیدانم عاقبت این یگانه پسر عزیزم بکجا میرسد گویا همین قسم است که می بینم . نزدیك است دیانت مسیحیه را گذاشته و دین وحشي وثنی اسلام را استقبال نماید

﴿ عمانوئیل ﴾ شنیدم . گفت نه نه ای الیعازر نمیتوان گفت دین اسـلام وحشي وثنیست . درجواب او پدرم گفت پس تکلیف من با عمانوئیل چیست ؟

﴿ قس ﴾ ای الیعازر پسرت، دارای افکار روشن وتنبهات سودمند است وبروی اساسي متقن واصلی ثابت تکلم مینماید . در بند تقلید وفشار تعصب نیست علاقه مند بافکار مردمان امروزه نمیباشد . در محیط تخمین ومخالفت برهان سیر نمیکند (چنانچه این مکروب روحي تمام نقاط اروپا را فرا گرفته است) . بگذار در اطراف افکار خود سیر کند ـــ خوش باش قائل بمؤثری حکیم وموجدی مختار برای عالم است . تدین بألوهیّت اوّلین قدم وتدّین اساسی است . امّا اذعان بانبیاء دومین قدمیست که شخص برداشته ودر فضای تکامل قدم میگذارد ـــ حال لازم است بدؤاصر اقدام نموده و نجات

پسرت را خواستارشوی (۱) امورکاری دانشمند. بااطلاع خوش محاوره . دورازتعصب . حق بین . منصف ـ برای او تهیئه نمائی « ۲ » دست برکت براو گذاشته تاروح القدس دراو حلول نماید ومکنونات را براوابرازدارد

(الیعازر) واقع گوئی تمام شخصی که جامع این اوصاف وشایسته این مقام باشد (نیست غیراز تومگر لطف توگیرد دستم) ـــ امید است سپس هم جالب توجه عموم مسلمین گردیده وبا فرط رغبت خود را در جمعیت مسیحیان معرفی نمایند

(قس) ای الیعازر ـــ نشنیده ام تاکنون دعوت مرسلی مسیحی درمسلمانان تأثیری حقیقی نماید (جالب توجه است) ـ باآنکه درهندوس مبشری از مسلمانها نیست ومبشرین مسیحیان بایک ملاطفات سرشار وعنایات صحیه ونشر کتب مقدسه بزبان آنها وموافقت در امر ثالوث واقانیم وتجسد اله باتأیید شایانی که بسلطهٔ سیاسیه دارند . موفقیتی حاصل نموده وهندوسیان دسته دسته مسلمان میشوند وتاکنون توجهی بدیانت مسیحیه نداشته اند وهمین شکل درسوادان

افريقا هم موفقيت با مسلمانها است . آيا اين امر جالب توجه شما نميباشد ؟ !

(اليعازر) سبب چيست ؟

(قس) « بگذار ندانيم مرآن را كه ندانيم »

(عمانوئيل) كلمات پدرم وحضرت قس را ميشنيدم - وبيانات قس در ضمير من اثرات نيك وفوائد صالحهٔ وديعت ميگذاشت — برخواستم — مجدداً بر انها وارد شده وبعادت سابقه خود نشستم

﴿ قس ﴾ اى عمانوئيل — بخوان

﴿ پسران آدم . تورية . خلل تراجم . تحريف ﴾

(عمانوئيل) خواندم - خواندم تا عدد ٨ باب ٤ دراصل عبرى است « ويامر قاين ال هابيل اخيو . ويهى بهيوتم بشده . ويقم قاين ال هابيل اخيو ويهرجو » — ترجمه حرف بحرف) گفت قائن بهابيل برادرش . وبود ببودن آنها بصحرا . وبرخواست قاين برهابيل برادرش وكشت اورا

بفرمائيد مقصود از اين جملات بريده چيست ؟ چه گفت قائن به برادرش ؟ — چه بود ببودن انها بصحرا ؟

(قس) — بحواشي مراجعه كنيد

﴿ عمانوئيل ﴾ درحواشي اشاره بشمارهٔ ٨ ذكر ديد مگر (بلا پاسوقا) « ٢ »

حضرت قس . حواشي بموضوع است . يعني ميفرمائيد خداوند ازانزال توريه پشيمان شده وسپس حواشي را فرستاد

﴿ قس ﴾ ازتراجم چه موجود است ؟

(عمانوئيل) — ده نسخه — ٤ فارسي - ١ - ترجمهٔ بروس چاپ لندن سنهٔ ١٩٠١ — ٢ — چاپ رچارد واطس لندن سنهٔ ١٨٣٩ — ٣ — چاپ وليم واطس لندن سنه ١٨٥٦ — ٤ — چاپ تومس كنستيل ادن برع س ١٨٤٥ - عربي - ٥ - چاپ وليم واطس لندن س ١٨٥٧ مطابق بانسخهٔ روميهٔ عظمى س ١٦٧١ . — ٦ — موافق در ترجمه فقط ورقهٔ اوّلش افتاده گويا چاپ بيروت است — ٧ — در توزس ١٨٧ قِطع صفحات آن خاتمه يافته است — ٨ چاپ ٨ در مطبعه امريكاني بيروت س ١٨٩٧ — ٩ — چاپ ١٢ — س ١٩٠٥ - ١٠ - چاپ دى سارا هوجسون س ١٨١١

﴿ قس ﴾ - تراجم مزبوره دراينجا چه متذكرند ؟

(عمانوئیل) - ۲ - وقاین برادر خودرا گفت (که بیا) دراین صورت « که بیا » اضافه گردیده . وسایر کلمات هم برای افادهٔ تحریف شده است - ۵ - وقال قاین لهابیل اخیه لنخرج الی الحقل ولما صارا فی الحقل قام قاین علی هابیل اخیه وقتله - ٦ - وقال قاین لهابیل اخیه تعال نخرج الی الحقل - پس . لنخرج الی الی الحقل - تعال نخرج الی الحقل - را افزوده وبقیه را نیز تحریف داشته اند - *(شاید که بدینوسیله معنی بخشد)* - ۱ - ۳ - ٤ - ۷ - ۸ - ۹ - وکلّم قاین هابیل وحدث اذا کانا فی الحقل ان قام قاین علی هابیل اخیه فقتله - قال . که ترجمة . یأمر است . به . کلّم . ترجمه . یدبر . تحریف وتبدیل نموده « وأن » رأ هم برای تعدیل کلام گذاشته اند .. ولی - ۱۰ - ازاین تکلف خودداری کرده بدبختانه ازهر طرف بازمانده است - میگوید - وقاول قاین هابیل اخاه - مراجعه فرمائید - تحریف داشته وکلام هم بهمان حال باقیست - زیرا قائن با برادر خود چه مقاوله داشت ؟! (سرّ مطلب) آن است که دراصل عبری خالی دیده ودراصلاح ان کوشیده اند . ندیده . رسیده . نسنجیده اند ..

« گفتار خداوند . نه بازیچه ما است » اگر چه ممکن است چون نسخهٔ سامریه و یونانیه دارای این زیاده بود آنها هم متابعت نموده اند .. آیا اینهم عذر میشود ؟

(قس) مضحك است . میگوئید توریه غلط نازل شده وسپس تصحیح ان بر کاتب سامری واگذار گردید ؟

﴿ عمانوئیل ﴾ .. آیا میفرمائید خالی دراصل عبریست .. پس بفرمائید جهت چیست ؟

(قس) حال بگذار . چه گویم بتو . خواهی دانست . بخوان الیعازر بشنود .

﴿ الهدایه . وصدق . وامانت ﴾

(عمانوئیل) ذکر قاین وهابیل یادآوریم نمود صفحه ٤٢ جزء ٢ طبع ٢ (الهدایه) را ازلحاظ محترم گـذرانیده کذب وخیانت نویسندگان این جمعیت را بعرض رسانم میگویند ـ قرآن مراعات سجع را برحقیقت مقدم شمرده بمناسبت هابیل قابیل میگوید ـ (آقای من) اشخاصی که بر ضدّ مسلمین وکتاب انها عرض اندام کرده ودر عالم دیانت نماینده گان مسیحیانند نبایست بدون مراجعه وتأمل اظهاری داشته کذب

وخيانت خود را ثابت دارند . ونظر بهمين اعتراض چندين مرتبه بقرآن مراجعه نموده لفظ هايل وقايل يافتم

(قس) تعصب بيش از اين دنباله دارد - اين اشخاص را بحال خود گذاشته صدق وامانت را از دست مده

﴿ بابل — اختلاف لغات ﴾

(عمانوئيل) خواندم باب ۱۱ عدد ۵ - ٦ - ۷ - ۵ وخداوند نزول نمود تا شهر وبرجيرا كه بني آدم بنا ميكردند ملاحظه نمايد ٦ وخداوند گفت همانا قوم يكي است وجميع ايشانرا يكزبان واين كار را شروع كرده اند والآن هيچ كاري كه قصد ان بكنند از ايشان ممتنع نخواهد شد ۷ اكنون بيايد نازل شويم وزبان ايشان را مشوش سازيم تا سخن يكديگر را نفهمند - توريه را تبسم كنان مقابل خود گذاشته - وبا يك حالت مخصوصي بطرف قس وپدرم نگريستم

﴿ اليعازر ﴾ — فرزند — نظريات خود را اظهار دار — بدل مپيچ

﴿ عمانوئيل ﴾ آيا خداوند براى مشاهده بابل محتاج بنزول ميباشد ؟ - وبا اين همه بسط قدرت اختلاف لغات را متوقف

بنزول خود میداند ؟ ! ـ بفرمائید بچه اشخاص گفت پیایند
فرود آئیم ؟ . و بر تهدید مملکت خود بکه استعانت برد ـ ؟
﴿ قس ﴾ سابقا ـ اظهار داشته واعتذار نموده ام که توریه
دارای بیانات وحشت انگیز وتعبیر نفرت آور است . بزودی
نفرت مورزید —
(عمانوئیل) معروف است (که بامشکل نشاید حل مشکل)
تصور مینمائیم بزودی مبادرت بجواب نخواهید فرمود
ـ میدانم ـ برای شما بهترین پاسخی است که باعلاقه مندیهای
زیاد بدیانت مسیحی سبقت باین نخواهید داشت — گویا —
مترصد بدست آوردن فرصتید ـ ولی ـ لب کشا ـ پرده در ـ
افسانه مگو — بی ثمر است
﴿ قس ﴾ صبر تلخ است ولیکن بر شیرین دارد

— ﴿ آتش نمرود — ابراهیم پیغمبر ﴾ —

﴿ عمانوئیل ﴾ مسلمانانرا اعتقاد آنستکه بت پرستان در بابل
آتشي آفروختهٔ وابراهیم را در آن انداختند ولی آتش اثری
نبخشیده و براو برد وسلامت گردید ـ آیهٔ ۹۵ ـ ۹۶ ـ سورهٔ
صافات ۶۸ — ۷۰ — انبیاء — متعرض است — مجد

خداوندی – وشرافت نبوّت را کاملا تذکار میدهد – جناب قس – با انکه این پیش آمد بزرگترین وقعه است که در دوره زندگانی ابراهیم روی داد چرا توریة اشارهٔ بآن نفرموده است – وَآیا – چون توریة دارای این قصهٔ نیست – خرافی وافسانه خواهد بود ؟

﴿ قس ﴾ نه نه – زیرا اغلب گذارش وامور مهمه را در تاریخ نبوی – خصوص تاریخ ابراهیم – اهمال نموده واینمطلب را کاملا از عهد جدید استکشاف میداریم – چنانچه توریة نمیگوید که (موسی در وادی طور در اوّلین تکلیم بلرزه در آمد) باانکه در اعمال رسولان باب ۷ عدد ۳۲ – است که (موسی بلرزه درآمد وجرئت نکرد نظر نماید) – ولی متعرض نیست – که موسی در دوّمین تکلیم در طور سینا گفت (بنهایت ترسان ولرزانم) با انکه عدد ۲۱ باب ۱۲ — رساله عبرانیان — متذکر است (انصاف دهید) … ذکر ترسش ولرزش موسی در آن حال عظمت ومجد خداوندی را بچه درجه محسوس میدارد — آیا ذکر اینگونه گذارش لازم نیست ؟ — ذکر عادیات برانها مقدّم است ؟ نیز عدد ٤ باب ٩ – رساله عبرانیان – در تذکار

تابوت شهادت میگوید درآن حقه طلا که پراز من بود وعصای هرون که شکوفه بادام آورده بود . ولی توریة درمحتویات تابوت ــ ازحقه طلا ومن وعصای هرون ذکری نداشته وامریکه نمونه معجزات ویادگار مجدنبوت است اهمال نموده است (توریة) عدد ۱۸ ــ ۲۲ ــ پیدایش ــ ذکر دوره زندگانی ومولودهای پی درپی اخنوخ راداشته ــ ولی از موت وگفتار نبویش که مهم ترین گذارش او است خودداری مینماید . بلی عدد ۱٤ رساله یهوذا بأین مطلب اشاره میکند . ای عمانوئیل . توریة ذکری از مهم ترین گذارش ابراهیم وتاریخ حیوة . ونبوت . وایمانش دربین النهرین (۱) نداشته . فقط میگوید ــ درحران خداوند با ابراهیم سخن گفت واز ان مکان مأمور بخروج گردید ... . آیا عدد ــ ۲ ــ ۳ ــ ٤ ــ باب ۷ ــ « اعمال رسولان » راندیده اید ؟ که ــ ۲ خدای ذوالجلال برپدرما ابراهیم ظاهر شد وقتیکه دربین النهرین بود قبل ازتوقفش درحران ۳ وبدو گفت از وطن خود وخویشانت بیرون شده بزمینی که تورانشان دهم برو ٤ پس

---

(۱) دجله وفرات وطن ابراهیم مابین (کوفه وبصره) است

از دیار کلدانیان روانه شده در حرّان درنگ نمود و بعد از وفات
پدرش اورا کوچ داده بسوی این زمین که شماها الآن در ان
ساکن میباشید – ای عمانوئیل – گفتارهای طولانی
توریة با بنی اسرائیل در وعظ و ترهیب و ترغیب و بشارت
و تخویف است – ذکری از پاداش وحشر بندکان و بهشت
وجهنم . نفرموده ودر معارف الهی و تعلیم دینی وسیاست
تمدّنی . نداده است – نهایت ترغیب – فراوانی گندم
وشراب کشمش . و نهایت تخویف . کمی گندم وشراب «
ووطی دیگران با زن گنه کاراست (ای عمانوئیل)
جمعی با تو همدرد وهم آوازند – « ولی برای توریة عذر
بزرگیست » مضحك است که – شیخ غریب – در « رحلة
حجازیّه » صفحهٔ ۲۸ اظهار عقیده نموده . بیگویا – توریة
تمامی احوال و گذارش ابراهیم را ذکر فرموده وذرّهٔ فرو
گذار نیست

(عمانوئیل) . فرمودید . برای توریة در اهمال اینگونه گذارش
عذر بزرگیست (بفرمائید) با انکه برجسته ترین وقایع تاریخی
بشمار میرود از تذکار آن وتذکار سایر حقایق مهمه (امور یکه

خوانده ومتحیرید ومیخواهید بر تحیر شما افزوده خواهد شد)

چشم پوشي نموده است — عذر توریة چیست ؟

(قس) « خود نگویم بتو — تا خود بخود افشا گردد »

(عمانوئیل) « پرده بردار . عیان گوی . حقیقت نمای »

(قس) بتدریج خواهی دانست . عجلة مکن

(عمانوئیل) . آیا . انچه قرآن در قصهٔ — ابراهیم وآتش —

گفته معقول است

﴿ قس ﴾ . تعجب است — گویا — باب ٣ « کتاب دانیال »

را نخوانده — جماعتی که بامر بختنصر . شدرك . ومشیك .

وعبدنغو را در لباسهای خود پیچیده در آتش انداختند تمامی

از شدت حرارت سوخته ولی انها پس ازمدتی ازآن آتش

افروخته بیرون آمده . وموئی ازسر آنها نسوخته وجامهٔ انها هم

تغییر نکرد ونجات یافتند . ای عمانوئیل کتب یهود ذکر

ابراهیم وآتش را نموده وبرای ان اثری تاریخی وتذکاری

روشن است

﴿ اثری تاریخی وتذکاری روشن ﴾

شهر بورسیبا درنواحی بابل است که دراین عصر انرا برس مینامند

بورسیبا لفظی است آشوری - یعنی . برج لغات - ونظر بر
اینکه در این قسمت اختلاف لغات گردیده این اسم را تذکار
نهاده اند لذا آثاری کهنه وشهری دیرینه است وانمطلب را از
کتابت بختنصر که سنهٔ ١٨٤٥ درخرابهای برج بورسیبا یافته
اند کاملاً استکشاف میداریم — نوشته است — بانی این
برج اوّلین ملوك . و - فاصله بین او وبختنصر ٤٢ زمان است
- وتاکنون دربورسیبا آثار کهنه است که قصهٔ ابراهیم وآتش
را بما نشان میدهد -*(درمحلیکه نمرود طرح آتش ریخت)*-
قبّه است بر تلّی بزرگ سیاه وخاکستری . که بمرور ایّام
پوسیده ومتغیر گردیده است) آیا این تذکار تذکار تاریخی
نیست ؟ گذارش پیشین را بچه نحومیتوان بدست آورد ؟
(عمانوئیل) ممکن است . این تل از آثار آتش فشان بوده وسپس
خاموش گردیده است
(قس) خیر - زیرا — ١ — محل آتش فشان کوه . یا —
برآمده گی زمین است . ودربورسیبا سوای ان تل خاکستری
اثر دیگری نیست - ٢ - ودر صورتیکه قبل از طوفان بوده
بدیهی است طوفان اثر انرا محو مینمود - یا بعد - پس تواریخ

همچو آتش فشانيرا ذكر ميداشتند . . . ـ ديگر آنكه ـ بين طوفان وبناى بورسيبا مدت زمانى نبوده است ودراينصورت چگونه بوسيبا وهياكل بتان را دراطراف آتش فشان بنا مينمودند ـ اگر هم ـ خاموش بود پس « عمران » اين منظره زشت را باقى نميگذاشت — اين است بابليان برپرستش وبزرگترين خدمات خود تذكارى نهاده ودر برابر بتهاى خود اين اثر را گذاشته اند

﴿ اضطراب نسخ تورىة . وانجيل درنسب ﴾

(عمانوئيل) خواندم تا عدد ١٢ باب ١١ پيدايش « ارفكشاد سى وپنجسال بزيست شالح را آورد » ـ با انكه ـ باب ٢ عدد ٣٦ انجيل لوقا (قينان را بين شالح وارفكشاد واسطه قرار داده است ـ ميگويد ـ شالح ابن قينان ابن ارفكشاد ـ وبهمين قسم تورىة سبعينية ـ بلكه تصريح بمقدار عمر قينان قبل از ولادت وبعد از ولادت شالح نموده است ـ آيا ـ نقصان از تورىة عبرانيه وتراجم است . يا . زياده از لوقاء وتورىة سبعينيه ويونانيه ؟ — درهر حال — اينگونه اختلافات براى ما سوء انعكاسى خواهد بخشيد ـ چون وبال تكذيب هريك

برما است

(قس) — جزء ۳ صفحهٔ ۲۱۲ (الهدایه) اعتذاری از این اختلاف خواسته . مراجعه نموده اید ؟

﴿ عمانوئیل ﴾ نویسندهٔ ۱ « الهدی » کاملاً در این موضوع هم بحث فرموده اند آیا جزء ۲ صفحهٔ ۳۶ — ۳۸ آنرا مراجعه فرموده اید ؟

(قس) اعتراضاتش را دیده و . با کمال دقت سنجیده ام — (گویم آنراکه تو گوئی اگرم فرصت بود) — ولی — ه مجد مکتوب به از مدح نویسنده بود ،

—﴿ خیر مقدم ﴾—

﴿ عمانوئیل ﴾ در این اثناء یکنفر از علماء نجف بما وارد شده وبر عدهٔ ما افزود —

﴿ عالم ﴾ . جناب قس — آیا روحانیین نصاری بکتب عهد قدیم وجدید مراجعه میمائید ؟ — . ودرصورت مراجعه — آیا بصرف مترجم اکتفاء نموده یاباصل عبری هم مراجعه میکنند ؟

﴿ قس ﴾ — بدیهی است اصل عبرانی را هم میخوانند — آیا

ممکن است علماء مسلمین قرآن را با لغت اصلی خود مراجعه ندارند؟

(عالم) تعجب است . زیرا اغلب را دیده ام . گویا . عندرجات عهدین سابقه نداشتند

﴿ قس ﴾ — از روحانیین ما ؟ — شایسته نیست که در عدهٔ روحانیین شمرده شود . . .

(عالم) اشخاصیکه در نظر است . . هاشم العربی — جمعیت الهدایة ـ مرسلین امریکا بمصر .

« قس » ، چگونه ممکن است ـ این اشخاص ـ علمائی هستند که سرقدم ساخته برای دعوت وجلو گیری از حملات مسلمین عرض اندام نموده اند . لذا — از طرف مسیحیین موظف گردیده کتب ونشریات آنهارا تقدیس وتقدیر مینمایند . . .

﴿ عالم ﴾ ـ در توریة ندیده اند ، عدد ۱۳ باب ٤٦ ـ پیدایش متذکر است ـ که شمرون یکی از اولادهای یساکر ابن یعقوب میباشد وعدد ـ ۲۳ باب ٤٦ ـ سفر اعداد ـ را مراجعه نداشته اند ؟ که عدهٔ زیادی از قبیلهٔ شمرونُ ابن یساکر باموسی همراه بودُ

— ﴿ سامری در عربی ، شمرونی در عبری ﴾ —

(عالم) نسنجیده اند ، که سامری ، مذکور در قرآن نفری از شمرونیا نیست که باموسی همراه بود - وسامری تعریب شمرونی است . . . .

(قس) ازاین نکته غفلت نموده ندانسته اند . . . که سامری تعریب شمرونی است . . . - وتوهم - نموده که سامری منسوب بشهر سامره است وانرا قریب به ۵۰ سال پس از سلیمان یکنفراز ملوك اسرائیلیان « عمری » نام بنا کرده وبسامره موسوم داشت - پس : بنا وحدوث نسبت - ۵۷۰ سال پس از قصه گوساله است . .

- این است - جمعیت الهدایة درجزء « ۱ » صحیفهٔ ۳۷ انرا تکذیب کرده ومیگویند (ذکر سامری دراینموضع دلیل بر جهل تاریخ وعدم اطلاع بتوقیع بلدان است)

ودرجزء ۲ صفحهٔ ۵۵ تجدید مطلع داشته میگویند - که . در عصر موسی سامری یاسامره در بین نبوده واین از تخیلات بعیدهٔ مستحیله میباشد وتاریخ بنی اسرائیل بلکه تواریخ عالم اقوی شاهد وبرهانند و (هاشم العربی) در تذییلات مستقله خود صفحهٔ ۵۵ اظهار میدارد (سامری) در عهد موسی

معقول نیست مگر پس از جلاء بابل کسی باین نعت منسوب ومعروف گردد) ـ حضرت شیخ بدیهست . درصورتیکه سامری تعریب شمرونی باشد اثبات این مطلب اعتراض انهارا ساقط مینماید . .

﴿ عالم ﴾ . عجب ازتست . نه — از . . .. . گویا تجاهل میفرمائید ؟ مراجعه فرموده اید — شهریست که در لسان عرب به ـ سامره ـ مشهور ودراسفار . ملوك اوّل . ثانی — اشعیا — ارمیا — عاموس — میخا — عزرا ـ نحمیا ـ بیش از شصت مرتبه تکرار گردیده ودر اصل عبری — شمرون ـ است و (نیز) یونانی . انکلیزی . فرانساوی . و و و بالاخص تراجم . لوقا . یوحنّا . اعمال رسولان . . .

﴿ بجز اغلب تراجم فارسي وعربی ﴾ انرا — شمرونی — نامیده اند — بایدی است سامری تعریب شمرونی است ودر . کره — شهری . یامحلی . یاشخصي — نیست که در عبری . انرا سامره یاسامری نامند — پس . « سامری » در قرآن شخصي منسوب بشمرون ابن یساکر است نه منسوب بشهریکه — عمری — بنانمود — لذا میگویم — « هرکه

تکذیب کند بیهده تکذیبش کن » - بشنوند - (جاهل تمسخری نکند جز بنفس خویش)

(قس) — قبل ازاین اظهارات بمهدین مراجعه داشته و در اصل عبری وسایر لغات سوای بعض نسخ فارسي وعربی — شمرون — نوشته اند بلکه درترجمه . ولیم گلن . وبعض تراجم قدیمهٔ عربی . هم تعریب نداشته وبلفظ اصلی خود - شمرون - نوشته اند « حضرت شیخ » واضح استکه سامری تعریب شمرونی و « سامری » نفری ازشمرونیانیست که توریة اورا در عدهٔ قشون موسی میشمارد . — از تجریات این جمعیت و و و دلتنگ مباش ﴿ مجد قرآن تو . تکذیب کند آنان را ﴾

— توریة . هارون . گوساله —

﴿ عمانوئیل ﴾ . حضرت شیخ . ممکن است ، منهم در اتمام عرایض خودرا بابك حریت کاملی بعرض رسانم .

﴿ عالم ﴾ ازادانه مکنونات خودرا اظهار دار . .

(عمانوئیل) — قرآن متذکر است « سامری » که یکنفر از شمرونیان واولادهای یساکر ابن یعقوب است گوساله

ساخته وبنی اسرائیل را به پرستش ان دعوت داشت — ولی - در تورهٔ باب ۳۲ « سفروج » نوشته است
پس از انکه در مراجعت موسی تأخیر افتاد بنی اسرائیل بهارون اظهار داشتند « برای ما خدایانی ساز تا برابر ما بخرامد » لذا « هارون گفت گوشوارهای طلارا از گوشهای زنان ودختران وپسران خود را بیرون کرده وبیاورید . پس آورده وبرای انها گوساله ساخت وبه پرستش ان دعوت نمود وسپس برای اجرای رسوم عبادت قربانگاهی درمقابل گوساله مقرّر داشته وگفت « فرداحج کنید پروردگارخودرا » - حضرت شیخ - هارون برادرموسی وازسبط - لاوی - است . وسامری . از سبط یساکر ابن یعقوب ومناسبتی در بین نیست
﴿ عالم ﴾ عمانوئیل ، ازخلل داخلی وخارجی تورهٔ صرف نظر کرده ودراین موضوع بوجدان خود مراجعه میداریم — درصورتیکه هارون تأسیس شرك وبت پرستی نمود چگونه خداوند اورا « پیغمبر » فرموده بدستورات مقدّسه وحکم وتوحید تکلم میدارد — گاهی است که باموسی در مقام تکلیم مخاطب گردیده - وگاهی منفرد درمقام قرب وحی

الٓهيه مفتخر است (باب ۱۱ ـ ۱٤) سفر لاویان ۲ ـ ٤ — ۱۸ — ۱۹ سفر اعداد ، مراجعه شود . وچگونه درحالتی که گوساله میساخت وبعبادتش دعوت میداشت خداوند اورا برای کهانت وامانت مقرر فرموده قبل ازاین ارتکاب و(بعد) بکراماتی سرشار اختصاص میدهد وبرای او رختهائی بیک طرز مخصوص دستور داده که پارچهٔ ان ازطلاء لاجورد . ارغوان . قرمز وکتان نازک تابیده . زنگوله منگوله گردد و و و . وبرای تقدیس او دانایان را امر مینمود وبان خلعتش میفرمود باب ۲۸ و ۲۹ سفر خروج قصه را بیک اسلوب خاص بیان نموده جالب توجه است مراجعه فرمائید . ای عمانوئیل . ـ بین ان مکانیکه خداوند بموسی وحی کرده وهرون را تقدیس داشت وبکرامت وامامتش مفتخر فرمود وفرودگاه هارون واسرائیلیان مسافتی نبوده اگر درانحال ازاین اقدامات زشت بی اطلاع بود سپس چرا تقدیسش نمود ؟ واگرهم اگاه بود — چرا تقدیسش فرموده وچنین شخصی را بامامت وحافظ اسرار حکمت منصوب ومعرفی مینماید ؟ ـ (خائنان را نکنند محرم اسرار حکیم) . .

ــ سلیمان ــ عهد قدیم ــ

﴿ عمانوئیل ﴾ بدیهی است خداوند محیط و عالم است ــ
و در عدد ۷ و ۸ تصریح میفرماید ۷ خداوند بموسی گفت
روانه شده بزیر برو زیرا که اینقوم که از زمین مصر بیرون
آورده فاسد شده اند ۸ و بزودی از آن طریقیکه بدیشان امر
فرموده ام انحراف ورزیده گوساله ریخته شده برای خویشتن
ساخته اند و نزد ان سجده میکنند ــ ولی ــ حضرت شیخ
انچه از کتب وحی خود استفاده میداریم . شرک در قداست
انبیاء مضر نمیباشد (چنانچه) کتب مقدسه متذکرند ـ خداوند
سلیمانرا پیغمبرفرموده واسفار حکمت وجامعه ونشید . براو وحی
نمود ـ وبتعمیر بیت المقدس سر افراز فرمود (که بدستهای
خودت نه پدرت (با انکه پدرش تصمیم براین امر داشت) خانه
رابساز ومجد خود را براو اظهار داشته بداود گفت (سلیمان
کسی است که خانه من وصحنهای آن رابنا خواهد نمود زیراکه اورا
به پسری خود اختیار کرده ومن پدر او خواهم بود) عدد ۶
باب ۲۸ کتاب اوّل تاریخ ایّام مراجعة شود . وقریب
باین مضمون هم در باب ۲۲ کتاب مزبور . و باب ۷ سفر

صموئیل ثانی) است - ولی - باب ۱۱ کتاب اوّل پادشاهان
سلیمانرا یك نفر مشرك گمراه معرفی میدارد - که سلیمان زنهای
مشرکه را تزویج داشت ٤ و در وقت پیری سلیمان واقعشد که
زنانش دل او را به پیروی خدایان غریب مایل ساختند و دل او
مثل دل پدرش داود با یهوه خدایش کامل نبوده پس سلیمان در
عقب عشتورت خدای صیدونیان و در عقب ملکوم رجس
عمونیان رفت ٦ و سلیمان در نظر خداوند شرارت ورزیده مثل
پدر خود داود خداوند را پیروی کامل نمود ۷ انگاه سلیمان
در کوهیکه روبروی اورشلیم است عمارتی بلند بجهة کموش
که رجس موابیان است و بجهت مولك رجس بنی عمون بنا
کرد ۸ و برای بتهای زنان خود مانند آن عمارت بنا نمود (کتب
وحی ان عمل زشت را مکرّر بسلیمان نسبت میدهند)
ونیز - درعدد ۱۳ باب ۲۳ . کتاب دوّم پادشاهان است . .
« حضرت شیخ » بنا براین اشخاصیکه در یك قسمت ازدورهٔ
زندگانی خود مشرك میشوند مخصوصاً خداوند انهارا به پیغمبری
مبعوث خواهد داشت - پس - حال هارون و سلیمان باخدای خود
یکی است وفرقی در بین نیست

(عالم) خوبست بحث را بحال خود گذاشته ومطالب را بیك طرز بسیار ساده تقویت نمائیم (شخصي عازم مسافرت است) وبرای سرپرستی زنان ودختران وخواهران خود درصدد انتخاب وکیلی است که اضافه بر تعلیم اخلاق . « عفت وحیا » حفظ ناموس وشرافت اورا نموده جلوگیر از افساد بدکاران وبی پرده گی آنان هم بوده « سوء نظری در اطراف این وکالت اعمال ندارد » —

حال ممکن است زنیکه میداند در آتیه نزدیکی زانیه خواهد شد وخانزاده اورا هم بزناء وادار خواهد نمود برانها گماشته ومسافرت نماید ؟ مخصوصاً درصورتیکه بداند این زن بی شرمانه بر زناء وهرگونه ترغیب بسوء مداومت کرده وبالاخره فامیل اورا تمکین مینماید در این صورت چگونه چنین زانیه را تمجید داشته وبامانت معرفی میدارد —

﴿ عمانوئیل ﴾ . بدیهی است مردمان عادی هم باو تامین نخواهند داشت . . .

(عالم) پس چگونه خداوند . عالم . حکیم — شخصي — شرور ومشرك را بصلاحیت ودرستی به بنده گان معرفی

فرموده ـ واجرای احکام واصلاح . وشریعهٔ مقدسه را ازاو مترصد خواهد بود . آنهم بسوء سریره خود تظاهر نموده ومردمان را بپرستش گوساله مصنوعی دعوت نماید یا بتکده ها بسازد

(عمانوئیل) . راست وروشن است که اینگونه متناقضات کتاب آسمانی نبوده . مجد خداوندی . حکمت الهیه . شرافت نبوت . با این مندرجات شرک آور ذرهٔ ساز گار نیست . بلکه . بقلم یکنفر مؤمن عارف هم تحریف نگردیده است

(الیعازر) . حضرت شیخ ـ آیا قرآن شما ذکری از هرون وپرستش گوساله میکند ؟

(عالم) — قرآن آیهٔ ۹۲ طه و۱٤۹ (اعراف) تذکار براین قضیه فرموده هرون را منزه ومبرا میشمارد درسورهٔ طه (ولقد قال لهم هرون یا قوم انما فتنتم به « یعنی العجل » وان ربکم الرحمن فاتبعونی واطیعوا امری قالوا لن نبرح علیه عاکفین) ودرسورهٔ اعراف (إن القوم استضعفونی وکادوا یقتلوننی فلا تشمت بی الأعداء ولا تجعلنی مع القوم الظالمین) میفرماید — هرون هرچند قوم خود را ازاین اقدام نهی نموده

باطاعت و پرستش خداوند دعوت میداشت در آنها تأثیری نداشته و بقتلش تهدید مینمودند لذا در مقام تضرّع برآمده و به موسی بیان حقیقت مینماید — کجا قرآن میفرماید.
« هرون عبادت گوساله نمود ؟ » ؟

—﴿ کتاب ثمرة الأمانی ﴾—

(الیعازر) قرآن را تاکنون ندیده ام وفقط دراین موضوع بر کتاب ثمرة الامانی چاپ مطبعهٔ امریکائی ببولاق مصر سنهٔ ۱۹۱۱ اعتماد نموده ام صفحهٔ ۷۹ انرا مراجعه فرمائید

﴿ عمانوئیل ﴾ من هم این کتاب را دیده ام . گویا . روایت بعض مبشرین است که بساحت قرآن افتراء زده اند . ودر صفحهٔ ۷۸ هم نیز افترائی شرم آور زده ومیگویند در قرآن است « که داود میش برادر خودرا گرفت وابراهیم بت پرست بود » — پدر — قرآن موجود است آیهٔ ۲۲ و ۲۳ سورهٔ صٓ مکیّه قصهٔ قضاوت داودرا تذکار داده وسورهٔ بقرة آیهٔ ۱۲۹ آل عمران ۶۰ و ۸۹ وانعام ۱۶۲ ونحل ۱۲۱ و ۱۲۴ پی در پی ابراهیم را از شرك منزّه میشمارد (وَما كانَ مِنَ الْمُشرِكِينِ) خوانده است

(اليعازر) چگونه میگوئید کتاب ثمرة الامانی روایت بعض مبشرین است باآنکه این کتاب را مندرجه حقیقت دانسته ودر پشت آن کتاب نوشته اند (حق از روایت دورتر)

(عمانوئیل) . پدر . بنا بر این اظهار علت چیست چندین مرتبه بقرآن نسبت کذب داده اند ؟ . (خوب) از مضاده آنها با قرآن چشم پوشی مینمائیم . بفرمائید . چرا بتوریه خود نسبت دروغ داده ؟ ومیگویند توریه از تکرار اسم خداوند نهی نموده است صفحهٔ ۸۳ و ۸٤ ثمرة الامانی مراجعة شود - پدر . توریه عدد — ۷ باب ۲۰ سفر خروج وعدد — ۱۱ باب ٥ سفر تثنية اصل عبری متذکر است « لا تشأ ات شم يهوه الهيك لشوأ كى لا ينقه يهوه ات اشير يشأ ات شمو لشوأ » ﴿ پدر ﴾ باآنکه نویسنده گان در ترجمهٔ این کلام اضطرابی شدید نموده اند . از کلمات مضطرب آنها هم نهیی از تکرار اسم خدا در عبادات استفاده نمیتوان داشت . چنانچه در بعض تراجم است « سوگند مخور باسم پروردگار خداوندت دروغ بدرستیکه پروردگار تزکیة نمیکند کسیکه قسم بخورد بنامش دروغ » ترجمهٔ دیگر منقول ثمرة الامانی « نطق مکن بنام پروردگار

خداوندت باطل بدرستیکه مبرّا نمیکند کسیکه نطق نماید نامش باطل » ولی ترجمهٔ حقیقی « قصد مکن نام یهوه خداوندت را بسوء بدرستیکه خداوند مبرّا نمیکند کسیکه قصد کند نامش را بسوء » ـ پدر ـ گویانویسندهٔ این کتاب در مزامیر منسوبه بداود مراجعه نداشته ؟ وفضل تسبیح وادمان ذکرخداوندرا نسنجیده است ؟ نام خداوند را تسبیح بخوانید . ای بندگان خداوند تسبیح بخوانید ـ خداوند را حمد گوئید زیرا حمد نیکو است . ترنّم کنید بمجد اسمش و و ـ ندیده نشنیده ام تاکنون کسی اعتراضی بکثرت ذکر خدا درمقام تذلّل وعبودیّت نماید ـ خیر . خیر . بله . بله شبلی شمیل ـ دراواخر جزء ۲ (مجموعة) این اعتراض را نموده است . پدر . کتاب ثمرة الامانی برمسلمین عیب جو گردیده ودرتسبیح وادمان ذکر خداوند خصوص بلا إله إلّا اللّه . اظهارااستهزاء میدارد . بگذار . گفته اند (بردامن کبریاش ننشیند گرد) ولی . جهت چیست بااین علاقه مندیهای مفرطی که بتوریه دارد خلاف واقع را باوهم نسبت داده است . پدر . کارکنان این جمعیت وطابعین این کتاب برما جنایتی نموده وصدق وامانت را از

مسیحیین برداشته اند . بله . فقط صدق که دراین کتاب است آنست که درصفحهٔ ۸۷ اظهار عقیده نموده میگوید « سر تثلیث فوق عقول ما است . وادراك آن از محیط فهم بشر خارج است » . ولی . گویا این نویسنده برکتی درصواب وقبول حق ندیده . پاداشت . وجود خداوند . ازلیتش . علت العلل است . عالم بجمیع اشیاء است . خالق زمین وآسمان است . وروز قیامت را فوق ادراك شمرده . وناموس دین وعظمت افکار راهتك نموده است — پدر — وقتیکه نام ان کتاب را شنیدم فرط اشتیاق بمراجعه ان داشته . گفتم . بدیهیست کتابیکه دراهتداء مسلم بنصرانیت تألیف شود . ومبشرین هم نشر دهند محتوی بر دلائل روشن وبراهین بی پرده است . خصوص بقلم یکنفر محصلی . . . . که بوسیله سفائن بسواحل یمن وعمّان مسافرت نموده . وخدمات برجسته بدیانت مسیحی داشته است . (این) تألیف بنزدیکی مسلمانان را بر تنصر ترغیب مینماید — متأسفانه پس ازمراجعه . دیدم . کتابی است مبتنی بر دروغ وافکار پست وتاریک که برخلاف انتظار برادران مسیحی را باسلام دعوت میدارد — راستی ،

اوقاتی را که در مراجعه این صرف نموده تضییع داشته ام .
ولی تضییع وقت در مقابل خجلت وشرم ساری از مسلمین
وقعی نخواهد داشت

﴿ عالم ﴾ ای عمانوئیل عقیده شما در مقدمه کتاب ثمرة الامانی
واعتراضاتی که نویسنده این کتاب بقرآن ورسول اکرم
در صفحه ۳ اشاره نموده چیست ؟ همان طوری است که
نویسنده یا مبشرین اشاره نموده اند که در دین اسلام وقرآن
اموری طفلانه وخرافات وضلالاتی که مدّت دوازده قرن
راصل توحید آویخته وپیچیده — خوب است — قرآن
وعهدین حاضر کرده ومندرجات هر یک را با حقیقت توحید
تطبیق نمائیم تا عریان ومکشوف شود کدامیک دارای
امور طفلانه وخرافات وشرک است

﴿ تا چند حقیقت است پنهان ﴾

(عمانوئیل) حضرت شیخ . تعقیب مطلب بیشتر موجب
خجلت وموروث اندکالك این جانب است . متمنی است از این
مذاکره صرف نظر فرموده . کلام سابق خود را تعقیب داریم

— ﴿ افسانه غرانیق ﴾ —

﴿ عالم ﴾ « بر گو که حقیقت است تابان »

﴿ عمانوئیل ﴾ پیغمبر مسلمین در مکة سورة نجم را در محضر بت پرستان تلاوت نموده وپس از تلاوت این آیة « ارأیت اللات والعزّی ومنات الثالثة الأخری » بتها را باین اسلوب تمجید میدارد – تلك الغرانیق العلی . منها الشفاعة ترتجی – بفرمائید چگونه خداوند شخصیکه مادح بتان بوده ودرچنین محضری مشرکین را تقویت نموده است برسالت مبعوث خواهد داشت

(عالم) خود شما این قصه را در قرآن یا دراخبار متواتره دیده اید ؟ یا سندآن روایت ثقات متصل است تا ثقاتی که واقعه را مشاهده داشته وبرای دیگران روایت نموده اند وشنیده اید که مسلمین بران اعتراف نموده وراویانش نزد عموم بدیانت وامانت معروف باشند ؟

﴿ عمانوئیل ﴾ هیچیك ازاینها در بین نیست . بلکه جماعت شیعه این قصه رادروغ وباطل وکفرآور میدانند — وازاهل تسنن هم — نسفی میگوید قول بآن مرضي نیست . بیضاوی . قول بآن نزد محققین مردود است . خازن . در تفسیر خود میگوید علماء اصل قصه را موهون دانسته اند (چون انرا ازاهل

صحت روایت نداشته وثقتی باسناد صحیح یا سلیمی اسناد نداده است) فقط روایتی از بعض مفسرین ومؤرخینی که بذکر هر قصه غریب ونامعروفی شعف داشتند ودر صحت وسقم خبر کنجکاو نبودند وتقلباتی که در روایت این افسانه است با انقطاع سند دلیل واضح بر وهن است . قاضي عیاض . آنرا انکار نموده ومانند خازن گفته است . درسیرهٔ حلبیه . جمع زیادی این قصه را مطعون دانسته واز باطل شمرده اند وبساختگی زنادقه نسبت داده اند « رازی » در تفسیر خود . این قصه باطل جعلیست وقول بآن جائز نیست « بیهقی » راویان این قصه هیچیک آبرومند نیستند « نووی » امّا آنچه از بعض اخباریین ومفسرین مرویست که سبب سجود بت پرستان با پیغمبر ثناء آنحضرت بر بتان است باطل واز جهت عقل ونقل شایسته نیست « سید احمد دحلان » در سیرة . قصه غرانیق را بعض محدثین ومفسرین نقل نموده وجماعت زیادی گفته اند دروغ وبی اصل است . واشخاصي که نا قلند میگویند . کلام پیغمبر نبوده بلکه گفتار شیطانیست که بسمع مشرکین رسیده ولی گوشهای مسلمین نشنیده است - قولیست — که بعض بت پرستان

در بین تلاوت این آیه بأین کلمات جسارت ورزیده اند —
حضرت شیخ - بعض مفسّرین برای اظهار اطلاع وفضل تشبث
بواهیات کرده وقصهٔ غرانق را سبب نزول آیه « وما ارسلنا
من قبلك من رسول ولا نبیّ » در سورهٔ حج دانسته واین
سوره را مکّیّة شمرده ومیگویند در شب قصهٔ غرانیق سال
پنجم نبوّت نازل شد . باآنکه تمامی سورة حج مدنیه است .
چنانچه ابن عباس . ابن زبیر . قتاده . ضحاك . و . و . و . و .
روایت نموده اند ودر صورتیکه از روایت آنها صرف نظر
داریم وضعیات دیگر نما نشان میدهد که سورهٔ حج مکّیّه
نیست . زیرا در این سوره ذکر واقعهٔ صدّ ومنع از مسجد
الحرام است واین واقعه پس از هجرت است . نیز در این سوره
خداوند امر بحج واذن در قتال وامر بجهاد فرموده است وبدیهی
است هریك پس از سنینی بعد از هجرت میباشد — حضرت
شیخ — اضطراب این حکایت وتناقض روایات آنرا در جزء
اوّل کتاب الهدی صفحهٔ ۱۲٤ تا ۱۲۸ دیده وبران قدری هم
از اطلاعات خارجی افزوده ام

﴿ عالم ﴾ — عمانوئیل — با این وضعیّات چگونه اظهار

عقیده نمودید که حضرت پیغمبر (تلك الغرانیق) را سروده است

(عمانوئیل) . معذورم . زیرا دربدو امر این حکایت را در جزء اوّل « الهدایه » صفحهٔ ٦٢ دیده وانرا بصورت واقع جلوه داده بود . میگوید ابن عباس وتمامی مفسّرین از متقدّم ومتأخر براین قائلند . مجدداً رحلة الحجازیّه شیخ غریب را مراجعه داشته دیدم انرا بمفسّرین اسناد میدهد . اینست اعتماد برجمعیت کتاب الهدایه ونویسنده رحلة الحجازیّه نموده و گفتم حکایتی است که اجماع مسلمین برصحت آن است . غافل از انکه برهر نویسنده نباید اعتماد داشت . سپس تتبعات بسیار دراطراف این حکایت کرده وانرا افسانه ودروغی بی منشأ یافتم . زیاده براین . اینکه درکتب دیده ام هرگونه اخبار ضعیف وسقیم ومنقطع و . و . راروایت میدارند . حلبی . در اوّل سیره اش براین تصریح نموده . ودرعیون الأثر سیره حافظ یاد داشت میدهد . گروهی ازدانشمندان تساهل در اخبار وحکایات را جائز میدانند . ابن عراقی گفته است

ولیعلم الطالب انّ السیرا * تجمع ما صحّ وما قد اُنکرا

(عالم) . ای عمانوئیل . چیست وکدام یک اعتماد وعلاقه مندی شمارا ازمندرجات کتب جمعیت وسائر مبشرین برداشت

(دروغهای جمعیت « الهدایة » وهاشم العربی وغریب ابن العجیب)

(عمانوئیل) اموری که مرا متنبه گردانید انکه صفحه ۷ ذکر شده . که جمعیت « الهدایة » گفته اند . خداوند در توریة نفرمود . « خداوند روز هفتم را مبارک گردانید واورا تقدیس نمود » با انکه این کلمات بعینه در توریة موجود است ـ دیگرانکه — درصفحه ۲۸ اشاره شد که گفته اند قرآن مراعات سجع را برحقیقت مقدّم دانسته قائن را قابیل بر وزن هابیل نموده است . با انکه درقرآن هابیل وقابیلی در بین نیست

دیگرانکه هاشم العربی درصفحه ۱۱ چاپ اوّل ازتذییلاتیکه برمقاله « جرجی سایل » است . وغریب ابن العجیب صفحه ۹۷ رحلة الحجازیه نوشته اند « درسفر پیدایش توریة است « (اسمعیل پس ازمرگ ابراهیم . آمد « واورا دفن نمود) با انکه لفظی بمعنی « آمد » دراصل عبرانی توریة وهیچیك از

تراجم موجود نیست . وآنها اعمال غرض فاسدی نموده لفظ « اتی » یعنی « آمد » را افزوده اند . چنانچه جزء ۲ کتاب الهدی صفحهٔ ۹۵ سطر ٤ تا ٦ وصفحهٔ ۱۰٤ متعرض است . مراجعه فرمائید . آنچه توریة دراین موضوع متذکر است عدد ۸ و ۹ باب ۲۵ سفر پیدایش « ابراهیم باشیبهٔ صالحی پیر وسیر شده مرد وبقومش ملحق گشت وپسرانش اسمعیل واسحق اورا درمغاره مکفلیة دفن نمودند »

﴿ عالم ﴾ در بعض تراجم عربی است « شیخاً وشبعان ایّاماً . یعنی . پیر وازروزگاران سیر » چرا لفظ « ایّاماً . روزگاران » را انداختید ؟

﴿ عمانوئیل ﴾ میخواهید برتوریة افزوده ودراین قسمت هم پیروی هاشم وغریب وامثال آنهارا نمائیم ؟ زیرا آنچه دراصل عبرانی است « ایّاماً . روزگاران » نیست واصل . « ویمت ابراهام بشیبه طوب زقن وشبع ویاسف ال عمیو » مقصود از « شبع » (سیر) ـ توانگر است

﴿ عالم ﴾ مترجمین هم زیاده مثل این زیاده براصل عبرانی افزوده اند ؟

(عمانوئیل) درخصوص اسفار توریهٔ پنجگانه بیشتر از شصت کلمهٔ افزوده اند . نسخهٔ ۷ صفحه ۲٦ معدوده باین کلمات اشاره نموده است . ودربین کلمات ان کلمات بحرف کوچك مطبوع است . بعضي ازجهت نقصان تصحیح داشته وبعضي از روی جهل بدلخواه بازیچه خود قرار داده اند

﴿ خطاب خداوند بأبراهیم . واختلاف عهدین ﴾

﴿ عمانوئیل ﴾ خواندم تا عدد ۳۱ وتمام باب ۱۱ رسیده . گفتم . آقای قس . توریهٔ تاکنون از گذارش وایمان وتوحید ونبوت ابراهیم وخطابهائی که خداوند در بلد او بین النهرین « فرات . ودجله » براوفرموده واورا برگزیده ذکری نداشته . فقط میگوید « تارح پسرش ابراهیم ونوه اش لوط وساره زن ابراهیم را برداشته واز « اور کلدانیان » بطرف اراضي کنعان متوجه شدند پس بطرف « حاران » آمده ودرانجا اقامت نمودند وتارح درانمحل مرد « سپس درباب ۱۲ است « پس خداوند بابراهیم گفت از ولایت خود وازمولد خویش وازخانه پدرت بزمینیکه تورا نشان خواهم داد برو — ابراهیم رفته ولوط هم خدمت بوده اوحرکت نمود » وابراهیم در

موقعیکه از حاران بیرون رفت هفتاد وپنج ساله بود . واو زن خود ساره وبرادر زاده اش لوط وتمام اموال اندوخته با اشخاصیکه در حاران بهمرسانیده بود برداشته وبعزیمت زمین کنعان بیرون گردیده وبزمین کنعان داخل شدند ، آقای من – دراوائل باب ۷ اعمال رسولان است که « خداوند ذوالجلال برپدر ما ابراهیم ظاهر شد وقتیکه دربین النهرین بود قبل از توقفش درحاران وباو گفت ازوطن خود وخویشانت بیرون شده بزمینیکه تورا نشان میدهم برو — پس از دیار کلدانیان روانه شده درحاران درنگ نمود » — بفرمائید در صورتیکه خطاب خداوند بابراهیم دربین النهرین بود چگونه توریة آنرا نقل بحاران نمود . واگر درحاران است کتاب اعمال رسولان عهد جدید چه میگوید ؟ . ولی . همین خطاب گوشزد میدارد که زمین وعشیره وخانهٔ پدر ابراهیم دربین النهرین بوده است . واین مطلب هم بدیهی است چون حاران زمین ابراهیم نبوده ودران عشیره نداشت . بلکه او وپدرش ولوط وساره درحاران غریب بودند — نمیدانم چرا توریة اشتباه مینماید ؟

﴿ قس ﴾ — عمانوئيل — (آنچه نخواهي شده . بگذر . بخوان)

— ﴿ شك ابراهيم ع در تورية . وكلام پريشان ﴾ —

﴿ عمانوئيل ﴾ خواندم تا باب ١٥ - از عدد ٨ تا ١٢ « خداوند بأبراهيم فرمود من خداوندي هستم كه تورا از اور كلدانيان بيرون كرده تا اين زمين را بتو ببخشم وتو وارث آن گردي . گفت بچه علامت يقين كنم وارث اين زمين خواهم شد . فرمود بياور گاو سه ساله . بز سه ساله . گوسفند سه ساله . كبوتر حمام ويمام را . پس آورده وهريك را نصف نمود وهر نصفي مقابل ديگري گذارد سواي كبوتررا

پس جوارح لاش خور براين لاشه ها فرود آمده ابراهيم انهارا رد مينمود » - گفتم - جناب قس - اين نوع بخشش وانتقال زمين از ملك قومي بديگري ازامور عاديست . ﴿ خوب ﴾ خداوند بأبراهيم فرمود اين زمين را بتو ببخشم وتو وارث ان گردي . چگونه ابراهيم شك نمود وگفت بچه علامت يقين كنم وارث اين زمين خواهم شد . آيا وعدهٔ خداوند يقين آور نيست ؟ ابراهيم ايمان بخداوند نداشت ؟ — آيا مار

راستگوی ناصح چنانچه نزد حوّا رفت نزد او آمده ؟
بابراهیم هم گفت وارث این زمین نخواهی شد و چنانچه بآدم
گفت « روزیکه ازان درخت بخوری خواهی مرد » این وعده
هم بی اساس بود ؟

این جمله را گذاشته . بفرمائید بالأخره علامتی که حضرت حق
بابراهیم داد چه بود ؟ تا ازآن علامت ابراهیم هم بصدق وعد
مطمئن شود . نمی بینید مذاکره علامت صرف لقلقه وکلامی
دم بریده است ازاو چیزی بدست نمیاید . بیان بی ثمر یست
وپیوسته نیست ـ خداوند که نفرمود این حیوانات را دونصف
نموده کبوتر را دونصف مکن . پس ابراهیم بچه سبب اینقسم
نمود ؟ آیا کلام خداوند اینگونه پریشان وتوریهٔ حقیقی این
شکل است ؟ ازخداوند وپیغمبران وکتابهای او دور میباشد

—﴿ ایمان ابراهیم ع . ودلیل روشن قرآنی ﴾—

(قس) بنظرم میرسد دراطراف حدیث ابراهیم قصه هم بهمین
اسلوب درقرآن مسلمین اواخر « سورهٔ » بقره « است

﴿ عمانوئیل ﴾ : بله . آیهٔ ۲۶۲ (واذ قال ابراهیم ربّ ارنی
کیف تحیی الموتی قال اولم تؤمن قال بلی ولکن لیطمئن قلبی

قال فخذ اربعة من الطیر فصرهن الیك ثم اجعل علی کل جبل منهن جزءاً ثم ادعهن یأتینك سعیاً)

﴿ قس ﴾ . عمانوئیل . این کلام چه قسم بنظرت میرسید

(عمانوئیل) کلامی با انتظام . پیوسته مفید . دلیلی روشن وحجت بزرگیست . ایمان ابراهیم وطلب اطمئنان قلبی ومرتبه عالی ایمان را بمعونة حس بیان مینماید . چون احیاء مردگان امر بزرگیست ومحسوسیت آن در زیادی ایمان اثر بزرگی دارد ــ ولی ــ « باانکه یهود ونصاری میگویند حکایات قرآن از توریة مقتبس است » چرا در اینکلام پیوسته وبیان سرشار با کلام بریده وپریشان توریة مخالف میباشد؟ سبب اینگونه اختلاف چیست؟

﴿ قس ﴾ چون یکی از این دو کتاب وحی خداوند وکلام حقیقی اوست خوب است در این مقام عقل را حکمران نموده . وبسنجید ــ بگذر ــ وبخوان

ــ ﴿ فرشته . خداوند . توریة ﴾ ــ

(عمانوئیل) خواندم تا فصل ١٦ پیدایش . عدد ٧ تا ١٤ (در قصهٔ هاجر وبشارت ملائکه اورا بأسماعیل ومذاکرات ملائکه با او) توریة میگوید « فرشته خداوند اورا نزد چشمه

در بیابان یافت . . گفت باو فرشته خداوند . . . گفت فرشته خداوند « مکرر . پی در پی . تا گفت « فرشته خداوند باو گفت ذریّت تورا بسیار افزون گردانم بحدّی که از کثرت بشمار نیاید «

گفتم این قول از فرشته دور است . زیادی نسل از خداوند است نه فرشته . چرا توریة خلق وتکثیر نسل را بفرشته نسبت میدهد — از این هم بگذریم — ولی — با این همه تکرار . گفت فرشته خداوند . . گفت فرشته خداوند . . . . چگونه بعد فراموش نموده ومیگوید « ونام خداوند راکه باوی تکلّم نمود (اته اِل رئی) خواند ، ترجمه این لفظ عبرانی توخدای دیدنست . مگر توریة بین فرشته وخداوند تمیز نمیدهد؟

(قس) در توریة از این قبیل بسیار است

(عمانوئیل) (نه مشکل کند حلّ مشکل نه هرگز * خطای فراوان بپوشد خطا را)

﴿ قس ﴾ . نه . نه . بخوان

﴿ ابراهیم . خداوند . ملائکه . توریة ﴾

(عمانوئیل) خواندم تا باب ١٨ و ١٩ . قس هم درضمن

قرائت میخندید . مهم درمعانی آنها فرو رفته . دیدم دارای جملاتی پریشان ومطالبی بیهوده است . بطوریکه در کلّه فرو نمیرود — گفتم جناب قس . نجاتم را ده بفهمانید مقصود توریة ازاین جملات چیست ؟ « اشکارشد خداوند . ابراهیم چشم باز کرد دید سه مرد درمقابل او ایستاده اند . گفت ای آقا اکنون که منظور نظرتو شده ام ازبندهٔ خود مگذر . اندکی آبی بیاروند تا پاهای خودرا شسته ودرزیر درخت بیار امید . قطعه نانی بیاورم تا دلهای خودتان را تقویت دهید . بالاخره ابراهیم طعامی مهیا کرده . خوردند سپس بساره بشارت فرزند داده وساره بمناسبت پیری وقطع عادت زنان خندید . خداوند گفت مگرهیچ امری برای من دشوار است . درموعد خواهم برگشت وساره راپسری خواهد شد . پس ان مردان برخواستند ومتوجه « سدوم » شدند . وابراهیم ایشانرا مشایعت نمود . خداوند گفت آیا انچه میکنم برابراهیم مخفی دارم ؟ پس خداوند گفت چون فریاد « سدوم وعموره » زیاد شده است فرودآیم ببینم بحسب فریادیکه بمن رسیده عمل نموده اند والا خواهم دانست . انگاه ان مردان بسوی

سدوم رفتند . ابراهیم حضور خداوند ایستاده بود « ابراهیم
وخداوند مکالمات زیادی نمودند » پس ازختم مکالمات
خداوند رفت وآن دوملك بسوی سدوم آمده . لوط آنها را
استقبال داشت گفت بیایید سوی خانه من وپاهای خود را
بشوئید . سپس نان فطیری برای آنها مهیّا کرد خوردند .
واورا بهلاکت ان شهر خبردادند — هنگام طلوع فجر لوط
را شتابانیده ولوط سستی مینمود آن سه مرد دست او وزن
ودخترانشرا گرفته بیرون کردند . اورا گفت فرار کن .
لوط بانها گفت نه آقای من . من بندهٔ توام درچشم تو عزیز
میباشم . پس گفت شهریکه شفاعت نمودی واژگون نمیکنم
. تا آنجا نرسی من نمیتوانم کاری بکنم «

جناب قس — چگونه خداوند بنظر ابراهیم در صورت سه
مرد ظاهر میشود؟ بچه وجه ابراهیم بخطاب مفرد با آنها تکلم
مینماید؟ میگوید « آقای من . درچشم تو . از بنده تومگذر . باز
چرا بخطاب جماعت خطاب نمود میگوید « پاهای خودتان را
بشوئید . بیارامید . دلهای خودتان را تقویت دهید » توریه
هم میگوید « خوردند » — جناب قس — خورندگان

كيستند ؟ انسانند ؟ يا ملائكه ؟ ولى بقول تورية خداوند بود . چون تورية در انمقام ميگويد « پس خداوند فرمود چرا ساره خنديد چيزى برخداوند دشوار است . خداوند گفت آيا انچه - . خداوند گفت ناله سدوم . فرود آيم » مضحك است مگر خداوند محتاج بنزول ميباشد ؟ تا ببيند . بداند ؟ ! اگر فرود نيايد نخواهد شنيد . نخواهد ديد . نخواهد دانست ؟ ! ! خداوند كجا است تا نزول نمايد ؟ پس از تكلم با ابراهيم كجا رفت ؟ از سه مرد چگونه دو ملك شدند ؟ چگونه از طعام لوط خوردند ؟ چگونه يكى شدند ؟ چگونه لوط خطاب مفرد بانها نمود ؟ آقاى من . بندهٔ تو . چشم تو « كه بود كه لوط با او تكلم ميدارد ؟ كه با لوط تكلم داشت . من تورا سر بلند نموده ام . شهر را واژگون نميكنم . من نميتوانم كارى بكنم . آيا خداوند بود . و نميتوانست ؟ ! من چه بگويم — تورية ميگويد

﴿ قس ﴾ مسيحيان ميگويند آن سه مرد اقانيم خداوندند وخداوند باقانيم خود براى ابراهيم ظهور نمود . خداوند يكى است داراى سه اقانيم . ابراهيم آن را بخطاب مفرد خطاب

نمود چون خداوند یکی است . وبخطاب جماعت بلحاظ تعدد اقانیم

(عمانوئیل) فعلا نمیگویم چگونه خداوند یکی . سه است . چون چماق تکفیر را برداشته میگویند . « ای بی ایمان . این امور وراء عقل است . ساکت شو . خفه . خفه » لذا تأخیر بهتر است . ولی میگویم . آیا چون ابراهیم میدانست خداوند باقانیم ثلاثه خود ظاهر شده گفت پاهای خودتان را بشوئید . دلهایتان تقویت نمائید . بیارامید . برای آنها خوراك آورد ! نشستند ! خوردند ! آیاخداوند میخورد ؟ اقانیم خداوند می خورند — خوب — چطور اقانیم سه گانه نزد لوط دو ملك شدند ؟ سومی آنها چه شد ؟ آیا سه عدد دو عدد است ؟ یا اقانیم خداوند فرشته اند ؟ ! معقول است خداوند یا اقانیم خداوند بخورند ؟ ویاشامند ؟ !

— کرامت قرآن —

(عمانوئیل) ـ جناب قس ـ توراتی که همگی تصدیق داریم کلام خداوند است این قصه را افسانه ونا معقول نقل نموده وبیاناتی که بکلّه فرو نمیرود اظهار میدارد — ازاین طرف

قرآنیکه غیر از مسلمانها احدی باو معتقد نیست و بجز آنها نزد کسي وحی الهی شمرده نمیشود این قصه را با کمال پیوستگی موافق عقل و دانش متذکر است . آیهٔ ۷۲ تا ۸۵ سورهٔ هود مکیة و ۲٤ تا ۳۷ سورهٔ ذاریات مکیّة تذکار میدهند ؟ وتصریح مینمایند که انها ملائکة خداوند بوده و خوراك نخورده اند

﴿ قس ﴾ باحالت مخصوصي (خندان) ـ گفت ـ مسیحیان میگویند (محمد صؔ) چون خواننده ونویسنده نبود حکایات تورىة را از یهود ودیگران آزموده ودر قرآن نقل میکنند

﴿ عمانوئیل ﴾ ـ (محمد صؔ) از اعراب وحشي بت پرست بشمار میرفت وآنها هم بهرهٔ از علم نداشته . نمیدانستند معقول چیست . غیر معقول کدام است — پس اگر (محمد صؔ) این قصه را از تورىة یاتعلیم یهود گرفته بایست مانند تورىة کلام پریشان ومتناقض ونامعقول بیاورد . بلکه بحسب جهالت ووثنیت وبی معرفتی اعراب زشت ترنقل مینمود ـ واقع ـ بسیار تجسس داشته ودر اطراف این اظهار جدّیت نموده ام

— قرآن غلطهای عهدین را تصحیح کرده . وحقائق معقوله را بیبان خوشی جلوه میدهد . راستی راستی قصص عهدین را ازمهملات وخرافات تصفیه میدارد .. شرم آوراست عهدینی که مسیحیان کلام خداوند میدانند پراز خرافات وهرزه نویسیست . ولی . ازیکطرف قرآن مسلمانها درموافقت عقل واستقامت وحقیقت غائی یگانه کتاب آبرومند است ـ کاش یهود ونصاری این نسبت را بقصص قرآن نداده وشخص را بمقابله وادار نمیکردند . آنوقت زشت وزیبا راست ودروغ معلوم نمیشد — فعلاً اجازه دهید قرآن وعهدین را در محضر محترم مقابله نمایم

(قس) سابق درقصه آدم وشجره وابلیس مقابله شد . شاید هم اگر درس را ادامه دهیم سایر قصص هم مقابله‌شود . ولی . راستی اظهارات شما نزد برادران مذهبي ما دشوار وخشم آوراست

(عمانوئیل) برادران‌مذهبي ما اهل حق ودارای صفای باطنند . ازاینها بگذریم . علّت چیست درد درونی وزخمهای دیرینه مرا مداوات نمیفرمائید « بلبم آب رسانیده تشنه نگه میداری »

﴿ قس ﴾ میخواهم بپای خودت بااین حرکات ملایم بطرف حق سیر نموده . ارشاد شما سهل شود — اینک — لازمست دروس سابقه خودت را در آن ضمیر پاك ودرون روشن آزاد نوشته . حساب حقیقت سهل وساده خواهد بود . من هم همراه هستم کمک خواهم نمود « گرچه یزدان تورا است نیک مبین »

(عمانوئیل) دروس سابق را بذهن خود سپرده ومذاکرات مستقبل را هم درنظر خواهم گرفت وبهتر است برای عبرت دیگران واستفادهٔ عموم قلم را بدست گرفته آنهارا هم بنویسم ونشر دهم - جناب قس - چیزی ماند - . باب ۱۹ در ذیل قصهٔ سدوم وعموره افسانه شرم آوریست نخوانده ام - وای وای - لوط در دیه صوغر برآمد بادودختر خود در کوه ساکن شد . دختر بزرگ بکوچك گفت پدرما پیر شده ومردی بروی زمین نیست . بیا تاپدر مارا شراب بنوشانیم وبااوهم بستر شویم تا نسلی از پدر نگاه داریم . مختصر . شب اوّل دختر بزرگ . شب دوّم کوچك بدینوسیله وبدمستی پدر همبستر پدر شده . حامله گردیده . دو پسر زائیدند - جناب قس - این عمل

ازلوط پاکیزه وپرهیزکار معقول است ؟ ! آیاقرآن هم بهمین مضمون نقل مینماید

﴿ قس ﴾ توریه میگوید . . . نمیدانم وجدان شما چه میگوید — اما « قرآن منزه است از این گفتهای زشت » — آه — بخوان

— ﴿ ختنه . وتوریه ﴾ —

﴿ عمانوئیل ﴾ مطابی ازباب ۱۷ عدد ۹ تا ۱۵ باقی مانده . خوب است ازتحقیق وکنجکاوی آن دراین مقام صرف نظر نداریم — میگوید — ختنه عهد خداوند باابراهیم وفرزندان ذکور وبستگان او است . پسریکه مختون نشود چون عهد خداوند را نقض داشته از قوم خود جدا خواهد شد — جناب قس — این عهد باابراهیم وفرزندان وتابعان او است یاباعموم مؤمنان

﴿ قس ﴾ . او . عهد ایمان وشریعت مؤمنان است .. وبدیهی است چون در آن موقع مؤمنین منحصر بأبراهیم وفرزندان وتابعان او بودند . خطاب بآنها متوجه خواهد شد — اینست موسی هم آنرا در عهد خود مقرر داشته وعتابعت

ان هم تاکید فرمود ـ ه این حکم را برای اسرائیلیان . واشخاصی که در اسرائیلیان فرود آیند . ومولودین زمین . وغلامانیکه میخرند . وشرط عمل فصح . وخوردن آن قرار داد »

باب ۱۲ سفر خروج عدد ٤٤ تا ٥٠ . وباب ۱۲ سفر لاویان عدد ٤ مراجعه شود . پیوسته انبیاء ومؤمنان هم تا چندین سال پس ازمسیح براین ترتیب بوده ومخالفت نمودند ـــ شخص « بولس » هم در رساله رومیان باب ٤ عدد ۱۱ تصریح مینماید « وعلامهٔ ختنه را یافت ابراهیم تامهر ونشانی بران عدالت ایمانیکه در نامختونی بود »

(عمانوئیل) باانیکه علامت ایمان وعهد خداوند سبحان بود چرا نقض کردیده ومنسوخ شد ؟

﴿ قس ﴾ درعهد جدید است تقریباً ۱۷ سال پس از مسیح رسولان وبولس ختنه را ابطال نموده اند . آیا باب ۱۵ اعمال رسولان یاکلماتی که راجع بابطال ختان ومنسوب برسائل بولس است ندیده اید ؟

﴿ عمانوئیل ﴾ دیده ام . ولی تنها ختان را نسخ نداشته بلکه همهٔ شریعت موسی را ابطال کرده است ـ تعجب است ـ

با فرط محافظتيكه مسيح ازاين شريعت فرمود ودر انجيل هم بمحافظت آن عموم وخصوص شاگردان خودرا توصيه نمود . واى . واى . چگونه اين اقدام زشت را داشته وحفظ وصيت مسيح را نموده اند ؟ ـ مضحك است ـ ابطال اين شريعت را نموده واظهار ميدارند كه براى سهولت وجلب مردم بتنصر اين اقدام را كرده ايم ـــ امّا ـــ بياناتى كه دراطراف ختان منسوب ببولس است يك جملاتى هرزه وپريشان ومتناقض است . وشريعت موسى را اهانت واستهزاء مينمايد ـــ چيز مهمى هم ندارد

ـــ﴿ عبد المسيح در كتاب خود . وختان ﴾ـــ

﴿ قس ﴾ اصحاب ما ميگويند . خداوند خواست . مبادا پس ازورود اسرائيليان بمصر شهوت برآنهائيكه اولاد ابراهيم اند غلبه نموده شريعة ختان را مقرّر فرمود بجهتيكه وقت اسرائيليان زنارانى بگذرانند زنان مصر بواسطه تغيير خلقت اين عضو از آنها بپرهيزند ـــ بنا براين پس از خروج از مصر ختان حكمتى ندارد

(عمانوئيل) اين بيان عبد المسيح است ـــ ميگويند ـــ در

زمان مأمون عبّاسي تأليف نمُوده واز ابطال ختان اعتذار جست ـ ولى ـ اگر پوزش نمينمود پاس جلال خداوند . قدس انبياء . شرافت كتب وحى را بهتر ميداشت ـــ نميدانست ؟ ـــ اين اعتذار مورد ملامت شده . خواهند گفت . اگر حاجتى بدوام شريعت ختان نبود چرا خداوند پس از خروج اسرائيليان از مصر آنرا تأكيد فرمود . يك سال وبيشتر پس از اين خروج در « سينا » بموسى ميفرمايد « روز هشتم . از ولادت پسر گوشت غلاف او ختنه شود » چنانچه در سفر لاويان باب ١٢ عدد ٤ ـ چرا خداوند بيوشع پس از خروج مصر بچهل سال وبيشتر امر داشت بنى اسرائيليكه پس از آن خروُج مولود شده وَ همه مختوُن نبوده اند همه را يك وقت ختنه كنند . او هم آنهارا ختنه نمود واز مدافعت هجوم دشمنان حاضر باز داشته تا امر الهى را اجراء ميداراد . در اين وقت خداوند فرمودُ « امروز از شماها ننگ مصر بر طرف نمودم » مراد از ننگ مصر آن نامختونيكه نشان شرك شده . چنانچه ختنه نشان ايمان است . كتاب يوشع باب ٥ عدد ٢ تا ١٠ مراجعه شود ـ اين انبياء ومسيح اين حكم را اجراء داشته شاگردان انحضرت

هم تا ۱۵ سال پس از مسیح متابعت نمودند تقریباً شریعت ختان ۱۹۴۶ سال ادامه نمود

ـ حضرت قس ـ چرا بولس و شاگردان مسیح این نوع پوزش مانند عبدالمسیح نخواسته اند؟ معلوم است بیهوده و بی اصل میباشد

﴿ یگانه فرزند ابراهیم کیست ؟ ﴾

(عمانوئیل) خواندم تا باب ۲۲ گفتم ـ جناب قس ـ توریة میگوید . ابراهیم بذبح یگانه فرزند خود مخاطب گردیده . سه مرتبه ذبیح بعنوان « فرزند یگانه تو » تعیین میشود . ولی توریة نیز میگوید یگانه فرزند اسحق بود — نمیدانم — چگونه اسحق یگانه است ؟ با انکه اسمعیل پانزده سال ازاو بزرگتر ودر زمان اسحق واین خطاب موجود بود . لذا . لازم است یا لفظ یگانه را برداشته . یا لفظ اسحق را باسمعیل تبدیل کنیم . زیرا بدیهی است که اسمعیل پانزده سال قبل ازاسحق متولد شده ویگانه است . اسحق هیچ وقت یگانه نبوده

(قس) مسلمانان میگویند خداوند ابراهیم را بذبح پسرش

« اسمعیل » امتحان فرموده واو (یگانه) او است

(عمانوئیل) چرا نگوییم . مسلمانان فخر رضا وتسلیم از اسحق برای امر خداوند وفخر این قصه وفداء را از اسحق برداشته باسمعیل نسبت داده اند چون اسمعیل جدّ قسمت بزرگی از مسلمانان وجدّ (محمد ص) پیغمبر اسلام است

(قس) تناقضي که در تورىة بين « اسحق » و « یگانه است » قول مسلمانان را تأیید مینماید

(عمانوئیل) تورىة تصریح میکند که اسحق یگانه پسر ابراهیم بود

﴿ قس ﴾ بر گشت سؤآل اوّل شما بر این است که تورىة یا در تسمیه ذبیح (باسحق) یا در توصیف او (بیگانه) خطأ نموده

(عمانوئیل) تعجب است همچه تناقض واضحی چگونه در تورىة است !

(قس) تعجب ندارد . پیش آمد وتبدلات روزگار پی در پی تورىة را باینگونه تناقضها مبتلی کرده است . (در ذکر خریداران یوسف از برادران وفروختن اورا در مصر) بباب ۳۷ شمارهای ۲۵ و ۲۷ و ۲۸ و ۳۶ مراجعه دارید .

مذکور است — تا گـاه کاروان اسماعیلیان بطرف مصر میرفتند . یهوذا گفت بیایید یوسف را باسماعیلیان بفروشیم — ان وقت تجار مدیانیان گذشته و یوسف را باسماعیلیان فروختند وبمصر آورده — امّا — مدانیان « ودر تراجم . مدیانیان » اورا در مصر به فوطیفار خواجه فرعون فروختند — ولی در اوّل باب ۳۹ میگوید . امّا یوسف را بمصر بردند وفوطیفار خواجه فرعون اورا ازدست اسماعیلیانی که یوسف را به انجا بردند خرید ! !

ای عمانوئیل گـاهی توریة آنها را اسماعیلیان اولاد اسمعیل پسر ابراهیم وهاجر نموده . گاهی . مدیانیان . اولاد مدیان پسر ابراهیم وقطوره . گـاهی . مدانیان . اولاد مدان پسر ابراهیم وهمین قطوره . بازهم اسماعیلیان مینماید ـ ای عمانوئیل (حال توریة ما چنین باشد) — بگذر وبخوان

﴿ توریة وبرکت یعقوب ﴾

(عمانوئیل) خواندم باب ۲۷ تا عدد ٤٠ ـ محلیکه بسیار شرم آوراست سپس سـاکت شده . ولی . قس میخندید . گفت چرا ساکت شـدی ؟ گفتم . خنده شما ازچه جهت است ؟

گویا بامن هم عقیده اید ؟ آنچه شمارا بخنده درآورده مرا هم ساکت نمود

(قس) ای عمانوئیل نظریات خود را دراین موضوع اظهار دار وبدرل مپیچ

(عمانوئیل) اسحق پیغمبر خداوند متعال خواست برکت را به پسر بزرگ خود عیسو بخشیده واورا بشرافت روحانی وپیغمبری سرافراز فرماید ـ فعلاً نمیپرسم ـ آیا این عزم وتصمیم بأمر خداوند یا بدلخواه اسحق بود ؟ ـ ولی ـ استیضاح مینمایم . بچه سبب بعیسو گفت « صحرا رفته شکاری صید کن چنانچه میل دارم خوراکی ترتیب داده برای من بیاور بخورم تا قبل از مرگم ترا برکت دهم » — مگر دادن برکت موقوف بشکار وسیر شهوانی اواست ؟ ودر حال گرسنگی داده نمی شود ؟ ! ـ ازاینها گذشته — تورة میگوید — دراین اثناء مادر عیسو ویعقوب سخنان اسحق را باعیسو شنیده واز فرط محبتی که بیعقوب داشت اورا امر نمود بگله شتافته دو بزغاله خوب بیاور خوراك مهیا سازیم تا آن برکت برای تو گرفته شود . یعقوب بمادر خود گفت برادرم عیسو دستهای او پر

موست من بی موهستم . چگونه پدر را فریب دهیم . مبادا ملتفت شود انوقت عوض برکت مرا لعنت خواهد نمود . مادر گفت لعنت او بر من . برو آنچه را میگویم عمل کن . یعقوب بزغاله حاضر نموده مادر موافق دلخواه اسحق خوراک ترتیب داده وجامهای فاخر عیسو را بیعقوب پوشانید و پوست بزغاله را بدست و گردن او بست . یعقوب خوراک را نزد اسحق آورده عرض نمود من عیسو پسر بزرگ تو هستم !! آنچه بمن فرموده اید عمل نموده ام بنشین از صید پسر خود میل فرما . سپس مرا مبارک گردان . اسحق فرمود نزدیك من بیا . تو را لمس کنم ببینم تو عیسو هستی یانه ؟ پس از لمس فرمود صوت صوت یعقوب است . امّا دستها دستهای عیسو . نیز گفت تو پسر بزرگ من عیسو هستی . یعقوب گفت بله بله من عیسویم . اسحق از آن طعام خورده ومی نوشید ! آنوقت برکت مال وریاست قومی وبزرگی روحانی را باو بخشید !! — سپس عیسو رسیده وطعام حسب دلخواه اسحق حاضر نمود . از پدر طلب برکت داشت — بالاخره . اسحق چون دانست که یعقوب بوسیلهٔ مکر وتزویر برکت را ربوده بلرزش بسیار

شدیدی لرزیده و گفت کیست اینکه مبارك گردانیدم . بلی . ومبارك خواهد بود . عیسو گفت بمن هم برکت بده . جواب داد . برادرت بمکروتزویر برکت تورا گرفته است . عیسو سؤآل میکند . (پس مانده) برکت هم برای من نمانده است . جواب داد . خیر . یعقوب را آقای تو وبرادرانش گردانیدم واورا بگندم وشراب تقویت داشته ام دیگر (چکنم چاره چه سازم . که تهی دست شدم)

ای حضرت قس . توریة میگوید . یعقوب به پدرخود خدعه وتزویر نمود . چهارمرتبه دروغ گفت . بفرمائید این برکت بزرگ فقط بکلام اسحق وخوردن صید وآشامیدن شراب مربوط بوده است ؟ (اگرچه برخلاف مقصود اسحق هم بدسیسه تزویر ربوده بشود . وبرای خداوند متعال دراین برکت اراده وحکمت ونظری بلیاقت نبود ؟ بلکه یگانه منظور خداوندلسان وخوردن وآشامیدن اسحق ازصید وشراب میباشد اگرچه یعقوب هم بدروغگوئی وخدعه ببرد (تعالی الله عن ذلك)

(قس) شاید این تحویل برکت (ازعیسو بیعقوب) موافق

ارادهٔ خداوند بوده

(عمانوئیل) تعجب است . مگر ممکن نبود . ازاول خداوند باسحق میفرمود . سزاوار این برکت یعقوب است . نه عیسو — تااینکه سزاوار وصاحب این برکت پیغمبری دروغگو ومکار نشود . امور الٰهی ونبوی هم معرض سخریه واستهزاء نگردد چگونه ممکن نبود ؟ یا آنکه توریة موجودرا بوحی خداوند بموسی نسبت دهیم آیا نمیبینید چه قدر حکایات شرم آور وقصه های طولانی بی مغز دارد .. مراجعه فرمائید حکایات لوط ودختران او (۱) کشتی گیری یعقوب با خداوند (۲) . « دینه » دختر یعقوب (۳) « تامار » عروس یهودا (٤) دراز گوئی خداوند باموسی راجع برخت هرون وبرش وزنگوله ومنگوله ورنگ آمیزی آن (۵) آنهم درچه وقت ؟ . بقول توریة . موقعیکه هرون بضد خداوند اقدام نموده ومردم را به پرستش گوساله میخواند (٦) جناب قس البته

---

(۱) سفر پیدایش باب ۱۹ عدد ۳۱ تا ۳۸ (۲) باب ۳۲ عدد ۲۲ تا ۳۲ (۳) باب ۳٤ عدد ۱ تا ۳۰ (٤) باب ۳۸ عدد ۱ تا ۳۰ (۵) سفر خروج باب ۲۸ عدد ٤ تا ۳۹ (٦) بسفر خروج باب ۲٤ عدد ۱۲ تا باب ۳۲ عدد ۱ تا ۷ و۱۵ تا ۲۵ مراجعه فرمائید

این مقالات وحشت انگیز بی مغز بیهوده توریة را دیده اید حاشا
. حاشا . (توریة حقیقی اینچنین نیست)
(قس) . چه بگویم . عجله مکن . بخوان
(عمانوئیل) خواندم باب ۳۲ عدد ۲٤ تا ۳۱ قس در حال
قرائت گاهی تبسّم مینموُد . وگاهی میلرزد . گفتم توریة
میگوُید . یعقوب تاطلوُع فجر باانسانی کشتی گرفت وچون
دانست بر یعقوُب قدرت ندارد بران اوزده فشرده شد .
به یعقوُب گفت مرا بازدار . یعقوب گفت رها نمیکنم تامرا
برکت نمائی . نام یعقوب را پرسیده وگفت پس ازاین خودرا
یعقوُب منام زیرا باخداوند مجاهده نموُده وغالب شده نام تو
یسرائیل است . یعقوُب هم نام اورا پرسیده گفت چرا اسم
مرا میپرسي ویعقوُب را برکت داد . یعقوُب ان مکان را
« فنیئیل » یعنی وجه الله نامیده گفت چوُن خداوند را « روها
بروها » دیده وجانم رستگار شد
جناب قس . توریة میگوُید . انسانیکه بایعقوُب کشتی گرفت
وبریعقوُب قدرت نداشت ونتوانست خودرا رها کند
خداوند بود . ویعقوُب باتوانائی وغلبه وشجاعت از خداوند

بركت را گرفت (چنانچه قبل بمكر وتزوير از پدر خود گرفته بود) واين است بواسطهٔ اين غلبة وشجاعت « يسرائيل » ناميده شد — اى آقا مگر اين معقول است . نمى دانيد ؟ . اينگونه كلمات آلهيين را مورد استهزاء ما دييين ميدارد . مگر امور الهى ونبوى اين شكل است . كتاب خداوند هم اين نوع بيهوده سرائى مينمايد

﴿ قس ﴾ نديدى وقت قرائت گاهى تبسّم مينمودم وگاهى ميلرزيدم . صبر كن

(عمانوئيل) در اصل عبرانى « روها بروها » است . جهت چيست مترجمين « روبرو » ترجمه داشته اند . بفرمائيد بواسطه غلط نويسندهٔ عبرانى است كه « ياء وميم » علامت جمع را افزوده « فنيم ال فينم » نموده است يا از جهت ديگرى است

(قس) كلمه پيش از اين در اصل عبرانى چيست

(عمانوئيل) اصل عبرانى (كى رأيتى الوهيم فنيم ال فنيم) ترجمه « چون ديدم خداوندان را روها بروها » گفتم گويا ميفرمائيد غلط كتبى نيست بلكه غلط اشراكى وثنيست

(قس) خندیده و گفت من نگفتم تومیگوئی . بگذر . وبخوان
(عمانوئیل) خواندم باب ۳۵ عدد ۹ تا ۱٦ دیدم توریة در
این اعداد میگوید (ظاهر شد خداوند برای یعقوب . ـ .
صعود نمود ازاینجائیکه با یعقوب تکلم فرمود — یعقوب اعمحل
را « بیت ایل » یعنی خوانه خدا نامید ـ گفتم ـ چرا توریة
بخداوند نسبت صعود و نزول میدهد . مگر خداوند جسم
است . پایین میاید . بالا میرود ؟ ! !
﴿ قس ﴾ مگر خداوند جسمی است که در بهشت راه میرود
میخرامد . آدم صدای خرامیدن میشنود ؟ ! ! با یعقوب کشتی
گرفته ونمیتواند خود را از دست او رها نماید . آهستة . عجله
مکن . بخوان وببین
﴿ عمانوئیل ﴾ خواندم تا خواندم در باب ۳۸ . یهوذا پسر
یعقوب باعروس خود « ثامار » زنا داشته ازاو دو پسر « فارص
وزارح » متولّد شد (۱) ـ گفتم ـ جناب قس چرا توریة
این افسانهای شرم آور راذکر نموده . خانواده پیغمبران

---

(۱) ببیانات توریة وکتب وحی یهود اولاد یهوذا که قسمت بزرگی
از اسباط بنی اسرائیلند از این سلسله زنا بوده اند وداود وسلیمان
ومسیح هم از این سلسله میباشند

وفرستادگان خداوند را ننگین واهانت مینماید وبولادت پیغمبران بزرگ مانند داود وسلیمان ومسیحی که از ذرّیت فارصند طعن میزند ؟ ! با (آنکه) تورة درباب ۲۳ عدد ۲ سفرتثنیه میگوید « زنا زاده در دستهٔ خداوند داخل نمی شود حتی پشت دهم » ـ نتیجه میدهد . داودیکه از پشت دهم است درجماعت خداوند نمیباشد لذا چگونة پیغمبر مقرّب گردیده ووحی زبه رباو نازل میشود

(قس) از اینگونه اعتراضات پی در پی بکتاب وحی خود داری کن . مگر ندیده کتب وحی ما میگویند « امنون » پسر داود بخواهرش « تامار » دختر داود عاشق گردیده وبدستور العمل « یوناداب » برادرزادهٔ داود باثامار زنا مینماید . داود هم شنیده . بحدود شریعت باامنون رفتار نکرده . بلکه نسخهٔ سبعینیه باب ۱۳ کتاب دوّم صموئیل درانتقام میگوید . داود روح امنون پسرش نیازرده چون اورا دوست داشت زیرا نخست زاده اش بود . . وچون شنید « ابشالوم » برادر پدر ومادری ثامار امنون را بجهت ان عمل شنیع بقتل رسانیده گریه بسیاری نمود وهر روز براو میگریست . باب ۱۳ صموئیل

دوّم را مراجعه فرمائید . . این (ابشالوم) هم بقول کتب وحی ما . با زنان و پرده گیان پدر خود بالای پشت بام بمنظر اسرائیلیان زنا داشته . وپس از موت او داود براو میگریست ومیگفت ای پسرم ابشالوم ای پسرم ای پسرم ابشالوم کاش که بجای تو میمردم ای ابشالوم پسرم ای پسر من . باب ۱۶ عدد ۲۱ و ۲۲ وباب ۱۸ عدد ۳۳ کتاب دوّم صموئیل مراجعه شود — ای عمانوئیل — مگر ندیده اید کتب وحی ما درشأن داود متذکر است . که زنا بازن «اوریا» داشته وبااو مکر نمود وزن اوریا هم از داود حمل زنائی برداشت وبالاخره بدستور داود این مرد صالح درستکار کشته شد . راستی اموری که بدن شخص را بلرزه در آورده وازمردمان شرور وخیانتکار هم صادر نمیشود . من که دامن پیغمبران را باینگونه حرکات زشت آلوده نمیدانم — امّا چکنم باب ۱۱ صموئیل دوّم متذکر است

﴿ عمانوئیل ﴾ جناب قس . گویا میخواهید این نسبتهائی که کتب وحی ما بداود داده اند تکذیب فرمائید ؟ آیا دلیلی هم دارید که این نسبت زشت را بقدس داود تکذیب

کند ؟

(قس) آیا چیزی که خلاف معقول تکذیب او هم مایه دارد ؟ بیانات شیخ « عالم » را صفحه ٤٦ فراموش نموده اید . نگفت . کسیکه مرتکب این گونه اعمال زشت شود چگونه خداوند اورا بنبوّت اختیار فرموده و برای ارشاد بندگان وبازداشتن ازاین اعمال شرم آور میفرستد ؟ مگر خداوند متعال میخواهد مقام نبوّت را مورد استهزآء نموده ومخالف مجد وحکمت فرماید ؟

(عمانوئیل) غیرازاین هم دارید ؟

(قس) زبور وحی خداوند در مزبور ۱۱۹ ازلسان داود میگوید . خداوندا ازشریعت تو انحراف نورزیده ام — امّا وصایای تورا ترك نکرده ام — ازهر راه بدی پای خودرا نگاه داشتم برای اینکه فرمان تورا حفظ کنم — از کلام تو انحراف نورزیده زیرا تو آموختی مرا - ازاحکام توانحراف نورزیده ام

انجیل لوقا باب اوّل عدد ۳۲ (وحی خداوند بمریم مادر مسیح که درتمجید ونیك بختی مستقبل پسرش مسیح) میفرماید

(خداوند اورا كرسي داود پدرش خواهد داد) بديهى است كه او كرسي تقوى ورستگارى داود است - ولى - كسيكه داراى چنين اعمال زشت وحركات شرم آوراست . هم كرسي پيغمبران رستگار وانبياء پرهيزكار نخواهد بود . بلكه بايست هم كرسي اشرار باشد . اگرچه

اشرار هم بجمع خود ره نميدهند * شهوت پرست پرده در پر گناه را

آيا همين كرسي خداوند مسيح را تمجيد ميكند . حاشا لله وحاشا انبيائه واوليائه

(عمانوئيل) در اتهام مسلمانان وكتاب آسمانى آنها (قرآن) چه ميگويند ؟

﴿ قس ﴾ تبسّم نموده . گفت . بشما چه مربوط . گفتم . ضرر ندارد . مگر معرفت تاريخى هم در اين مذاكره نيست ؟

(قس) قرآن سورهٔ (ص) در شأن داود فرموده است آيهٔ ۱٦ (انّه اوّاب) يعنى (بخداوند بسيار رجوع كننده) آيهٔ ٢٤ (وانّ لهُ عندنا لزلفى وحسن مآبٍ) (وبدرستيكه نزد ما براى او است هر آينه نزديكى وحسن بازگشت - بله - ذر

این سورهٔ محاکمة خصمین است راجع بدین - ولی - بعض مسلمانان آن قصه زنائی را ازلسان یهود گرفته در کتب خود نوشته اند (چنانچه باب ۱۱ و ۱۲ صموئیل دوّم متذکر است . امّا جماعت شیعه واهل تسنّن متّفقند در روایت که (علی) وزیر پیغمبرشان (محمد ص) یك صد وشصت تازیانه برای افسانه سرایان این قصه تعیین فرموده وانرا حدّ افترآء برانبیآء قرار داده است . این « علیّ » پیشوای مسلمانها است که این حکایت را افترآء وازخرافات تّمالان شمرده - ونیز - جعفربن محمد امام ششم اهل بیت مانند جدّ خود « علیّ » فرموده است — مسلمانان هم این حکایت را درشأن پیغمبران غیر معقول شمرده وبهمین حکایات درکتب وحی ما عیب‌جو میباشند . صفحهٔ ۱۰۲ تا ۱۰۵ جزءاوّل کتاب الهدی مراجعه شود

(عمانوئیل) . پی‌درپی . بعجله خوانده وازامور زیادی دلگیر وغضبناك ودرهم بودم . وحرص برامور مهّمه دیگری داشته سفر پیدایش را خاتمه دادم . شروع بدوّمین سفر توریة (سفر خروج) شد .

پیغمبری موسی . توریة

﴿ عمانوئیل ﴾ خواندم تاباب ۳ (سفرخروج) رسیده خواندم » موسی گله پدر زن خودرا رانده و بحوریب آمد وفرشته خدادر شعلهٔ آتش ازمیان بوته براو ظاهر گشت . چون دید بوته آتش گرفته ونمیسوزد بطرف ان متوجه شد خداوند دید موسی برای دیدن متوجه بأن طرف است خدا ازمیان بوته ندا در داده وگفت ای موسی من هستم خدای پدرت ابراهیم وخدای اسحق وخدای یعقوب ـ انگاه موسی روی خودرا بوشانید زیرا ترسید بخداوند تماشا کنند »
ـ آقای قس ـ آیا فرشته که بموسی ظاهر شد خدا وخداوند بود یادیگری ؟

﴿ قس ﴾ . فرشته خداوند غیر از خداوند است . میخواهی بگوئی توریة بین خدا وفرشته خداوند خبط کرده واشتباه ورزیده است ـ مگرممکن نبود بگوئید (آنکه براو ظاهر گشته فرشته بود وخداوند با او تکلم فرمود ؟)

﴿ عمانوئیل ﴾ پس چرا توریة میگوید » موسی ترسید بخداوند تماشا کند » مگر خداوند جسم است ودیده

می شود ؟

﴿ قس ﴾ . نهٔ . نه . خـداوند جسم نیست و دیده نمیشود

. بخوان .

—﴿ خداوند کذب آموز نیست ﴾—

﴿ عمانوئیل ﴾ خواندم « خداوند بموسی خطاب فرموده

وگفت برو ومشایخ اسرائیلیان را جمع کرده بایشان بگو « یهوه »

خدای پدران شما ابراهیم واسحق ویعقوب بمن ظاهر شـده

وگفت هرآینه ازشما وانچه بشما درمصر کرده اند تفقّد نموده ام

وگفتم شمارا ازمذلّة مصر بیرون آورده بزمین کنعانیان

وحتّیان واموریان و و و زمینی شیروشهـد دراوجاری است

— گفتم — آقای قس — دراین تبلیغ قرار خـداوند باشیوخ

اسرائیلیان این بود که آنها را ازمذلّت مصر بیرون آورده

بفلسطین وشرقیّ اردن برساند — ولی — بدون فاصله درشماره

بعد میگوید (اگر اسرائیلیان دعوت تورا قبول نمودند تو با

شیوخ اسرائیلیان نزد پادشاه مصر رفته بگوئید خدای عبرانیان

مارا ملاقات کرده . والآن سفرسه روزه را برویم تا برای

یهوه خدای خود قربانی نمائیم » — آقای قس — مگر بنا نبود

خداوند آنها را از مذلّت مصر بیرون آورده بفلسطین وشرق اردن برساند . پس چگونه امر داشته که موسی وشیوخ اسرائیلیان بفرعون بگویند « خدای عبرانیان ما را ملاقات کرده والآن سه روز راه پیموده برای خداوند قربانی نمائیم » وشیوخ اسرائیلیان کهِ را ملاقات داشتند . کی . کی . کجا . خداوند آنها را ملاقات نمود ؟ فقط در حوریب با شخص موسی تکلم فرموده ومأمورِ بتبلیغ بنی اسرائیل شد ـ کتاب خداوند کجا واین عمل زشت کجا است ـ توریة در عدد ۳ باب ٥ میگوید موسی وهرون هم بهمین دروغ رفتار نمودند ـ مضحک است ـ از محل اسرائیلیان که در رعمسیس مصر بود تا نزدیکترین موارد خاك فلسطین بیشتر از ۲۰۰ میل وتا شرقی اردن ۲۲۰ میل وتا بریة سینا هم قریب ۲۰۰ میل است ـ نمیدانم دراین سه روز آنهم بحرکت ملایم عیال واطفال پیاده وُسست رَوِی گاو وگوسفند چگونه این مسافت طولانی را پیمودند ؟

﴾ قس ﴿ عجله در این جواب نخواهم نمودُ . بخوان بخوان

﴾ خداوند خلف وعد نمیفرماید ﴿

(عمانوئیل) باب ۳ و ٤ را خوانده قس هم تبسّم مینمود ـــ

گفتم - آقای قس - در این دو باب سؤآلاتی است و مطالب را مختصراً عرضه خواهم داشت توریة میگوید (۱) — « خداوند بموسی وعده فرموده . مصریان را بعقوبات معجزات بکوبد . پس از این فرعون اسرائیلیان را رها کند خداوند هم مصریان را وادارد امتعهٔ طلا و نقره ولباس باسرائیلیان عاریه وامانت دهند تا اسرائیلیان ان امتعه را استلاب نمایند . خداوند همدست موسی وهرون میباشد انچه باید بگویند یاد میدهد . موسی هم معجزاتیکه خداوند بردست او جاری مینماید وفرعون را بآن مبتلی میکند همه را مشاهده خواهد نمود » — وسپس توریة میگوید « پس از اینکه موسی بطرف مصر متوجه شده وبوعدهٔ حق بشاش و بتبلیغ امر تصمیم داشت خداوند در بین راه باو برخورده وخواست موسی را بکشد ا برای جلو گیری ازمعنی تمهیدی بنظر « صفوره » زن موسی میرسد وفوراً سنگی تیز برداشته پسر خود را ختنه مینماید وپای موسی را بخون ان رنگین کرده وخداوند هم موسی را رها میفرماید ! - آقای قس - آن وعده ها با قتل چه مناسبت دارد ؟ چگونه

---

(۱) عدد ۱۹ باب ۳ تا ۲۷ باب ٤

بزرنگی « صفوره » موسی را رها نمود

نیز عدد ۱ تا ۱٤ باب ٤ خداوند بموسی آیات عصا وید بیضا ء

داده وبطرف فرعون ارسال فرموده . ولی . موسی ازاین ارسال

بسبب کندی زبان وعدم فصاحت خود اعتذار مینماید لذا

خداوند اورا نصیحت فرموده وگفت بازبانت خواهم بود

وتورا خواهم آموخت — مراجعه فرمائید — با این عهد

هم موسی میگوید « بشنوای آقا بفرست بدست هرکه میفرستی »

آیا این اظهار اظهار کسی است که بوعدهای خداوندی تصدیق

واطمئنان داشته ورسالت را میپذیرد ؟ — آقای قس —

آیا پیغمبر خداوند باین سوء ادب وخشونت باحضرت احدیت

مکالمه میکند ؟

—﴿ شرم آوراست ﴾—

توریة عدد ۱٦ این باب میگوید خداوند بموسی گفت (هرون

دهان تست . تویزدان خویش باش) — مجدد در باب ۷

عدد ۱ که خداوند بموسی گفت « خداوند فرعون هستی .

وهرون هم پیغمبر تو میباشد » — آقای قس — عدد ۱۳ باب

۲۳ درهمین توریة خواهیم خواند خداوند بموسی وبنی اسرائیل

فرمود » اسم خدايان ديگری را نخوانيد وازدهان تو شنيده نشود » — افسوس . افسوس عمر عزيز خود را بأين بيانات بيهوده وشرمآور توريه تلف نمودم

— جلال خداوند وعهد قديم —

(قس) عزيزمن — بايست اداء مجد وجلال خداوندی را بطرز پسنديده ومعقولی داشته وبجهل مركب اتكاء ننمائيم وكورانه سلوك نداريم

شايسته است بيانات همين توريه را بميزان كتب « عهد قديم » گذاشته وبسنجيم « تفسير يكديگر نمايد اين كتب » همه از يك سر چشمه آب ميخورند — كتاب « ارميا » كتابيكه جماعت يهود ونصاری انرا وحی الهی پنداشته . درعدد ١٠ باب ٤ ميگويد (پس گفتم آه ای خداوند يهوه اين قوم واورشليم را بفريفتن فريب دادی گفتی شمارا سلامتی خواهد بود وحال انكه شمشير بجان رسيده است » — (سفر اوّل پادشاهان وسفر دوّيم ايّام) اسفاريكه اين دو گروه ازانها بوحی الهی تعبير ميدارند عدد ١٤ تا ٢٣ باب ٢٢ پادشاهان اوّل وعدد ١٣ تا ٢٢ باب ١٨ ايّام دوّيم بيك لفظ متذكرند

« میخا » پسر عمله به « اخاب » ملك گفت بشنو کلام خداوندرا . دیدم خداوند بر کرسی خود جلوس نموده ولشکر آسمانی براست وچپ او . فرمود کیست ؟ اخاب را اغوآء نماید پس هریك عرض اندام کرده ونظریات خورا اظهار داشتند . روح برخواسته برابر خداوند ایستاد و گفت من اغواء میکنم . خداوند فرمود بچه ؟ گفت دردهان انبیآء روح کذب خواهم شد . فرمود . میتوانی واغواء خواهی کرد . برو وبکن — ای عمانوئیل این است کتب وحی ما (گر که سنجیش معقول . بمعقول بسنج) ولی . مجله ندارد

عدد ۳ باب ۱۲ سفر اعداد است که « موسی بسیار حلیم واز تمامی مردم حلیم تر میباشد » — مضحك است — این را گفته واز طرفی در ابواب دیگر امست . عدد ۲۲ باب ۵ سفر خروج . « نزد خداوند بر گشته (موسی) گفت . خداوند چرا بدین قوم بدی کردی چرا مرا پیغمبری فرستادی » عدد ۳۲ باب ۳۲ سفر خروج پس ازانکه اسرائیلیان پرستش گوساله نمودند . میگوید « خدایا الآن هرگاه گناه ایشان را بیآمرزی والّا مرا از دفترت بیرون کن » عدد ۱۱ تا ۲۲

باب ۱۱ سفر اعداد است (مختصر) موسی بخداوند گفت « چرا بنده خود بدی نمودی ـ مگر من اینها را زائیدم . گشت از کجا بیاورم ـ بر من دشوار است — خداوند فرمود — خداوند بشما گشت میدهد . نه یك و ده روز بلکه یك ماه است میخورید تا ملال کنید . موسی گفت قومی که در میان آنها هستم ششصد هزار نفرند آیا گوسفندان و گاوان ذبح میشود یا تمامی ماهیان دریا جمع میشود تا برای ایشان کفایت کند خداوند بموسی فرمود آیا دست خداوند کوتاه گردیده . الآن خواهی دید » . . عدد ۳۳ مزمور ۱۰۶ (موسی بلبهای خود ناسزا گفت) در اصل عبرانی « ویبطا بشفتیو »

(عمانوئیل) ـ آقای قس — من از شما یك سؤال نمود ودر جواب بحیرتم میافزائید . ای کاش میدانستم مقصود از این اظهارات است چیست

(قس) ذکاوت کجا رفته ؟ « بر خر ان که خود ز مشرق عرفان کند طلوع »

﴿ عمانوئیل ﴾ خواندم عدد ۱ تا ۱٤ باب ۱۲ . (ملخص)

خداوند اسرائیلیان را بقربانی امر فرموده و گفت هر یك سردر و دو قائمه اطراف آن را بخون قربانی خود رنگین دارند تا خداوند حال زدن مصر این علامت را دیده از آنها بگذرد ،
گفتم - آقای قس - میفرمائید خداوند خانه های بنی اسرائیل را نمیدانست ؟ تمیز نمیدارد ؟ محتاج بنشانه است - خوب - بفرمائید - خداوند چگونه میگذرد ؟

《 قس 》 این را هم بر امثالش افزوده و در دفتر خود بنویس .

—《 اختلاف تراجم . وتحریف بعض آنها 》—

(عمانوئیل) خواندم تا عدد ۲۸ باب ۲۲ . اصل عبری است . « الهیك لا تقال ونسيء بعمك لا تأر » . ترجمهٔ حرفی « خدایانت را ناسزا مگو و رئیس قومت را لعن مکن » . ولی مترجمین در اینجا بازی کرده اند . ترجمهٔ یونانیه بجای « لعن مکن : بدمگو گذشته . وتراجمیکه در صفحهٔ ۲٦ از نظر محترم گذرانیده ام در نسخه ۳ و ٤ و ٥ نوشته است « بخداوند ناسزا مگو ولعن منما رئیس قومت را » نسخهٔ ۱۰ هم قریب بهمین مضمون است : نسخهٔ ۱ و ۲ « سب مکن

قاضیان را و رئیس قومت را لعن مکن » مانند نسخهٔ ۷ و ۸ و ۹ - آقای قس - چگونه روحانیان لفظ « آلهیك » را بقاضیان ترجمه نموده اند ؟ - بله . بله - کسیکه خدا تراش شده بأین نوع ترجمه متعمد است وباکی ازاین تحریف وترجمه نخواهد داشت . (زروحانی این گونه شایسته نیست) . چرا جهت چیست ؟

(قس) یعنی تاکنون سربسته هم نفهمیده رجهت را ندانسته اید ؟ مقصود شمارا نفهمیدم ؟ . بخوان

جسم مرئی خدا نمیباشد

(عمانوئیل) خواندم تا عدد ۹ و ۱۰ و ۱۱ باب ۲٤ « وموسی باهرون وناداب وابیهو وهفتاد نفرازشیوخ بنی اسرائیل بالا رفت ۱۰ وخدای اسرائیل را دیدند وزیر پاهایش مثل صنعتی ازعقیق آبی شفاف ومانند ذات آسمان درصفا ۱۱ وبر سروران اسرائیل دست خود نگذاشت پس خدارا دیدند وخوردند وآشامیدند » گفتم - آقای قس - مگر خداوند جسم مرئی است ؟ برای او هم پا میباشد ؟

(قس) . حاشا . خداوند جسم نیست ودیده نمیشود . ولی .

این حکایت در قرآن هم میباشد ؟ . مراجعه نمائید

﴿ قرآن میزان حقیقت است ﴾

(عمانوئیل) آیهٔ ۱۵۲ سورة نساء (یَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تُنَزِّلَ عَلَيْهِمْ كِتَاباً مِنَ السَّمَاءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَى أَكْبَرَ مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ) اگرچه انزال کتاب از آسمان بزرگ و خلاف عادت است . ولی . رؤیت خداوند بزرگتر و خلاف عقل و عادت میباشد . . آیهٔ ۵۲ سورهٔ بقره اسرائیلیان را سرزنش نموده . میفرماید (وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ) در حالتیکه خواستار رؤیت بانگران صاعقه اید (۵۳ ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ) ـ پس قرآن این تمنا را درخواستی سفیهانه میشمارد

﴿ قس ﴾ بله . بله ـ بخوان

﴿ غلط توریهٔ عبری ﴾

﴿ عمانوئیل ﴾ خوانده . خوانده و براوقات گران بهای خود افسوس میخوردم . تا بعدد ۲۱ باب ۱۱ سفر « لاویان » سوّمین

اسفار توریهٔ رسیده . خواندم « امّا از تمامی حشرات پرنده که بچارپا روانند که بالای پای آنها ساق برای جستن بر زمین دارند ایشان را بخورید » در تراجم عربی « هذا تأکلونه من جمیع دبیب الطیر الماشی علی اربع وهو ماله کراعان فوق رجلیه یثب بهما علی الأرض » . گفتم . ـ آقای قس ـ انچه در توریهٔ عبرانی « اشر لا کرعیم معل لرجلیو » ترجمه « انچه ساقها بر پاهای خود نیست » پس چگونه نفی را باثبات ترجمه داشته ونداسته اند درصورت اثبات باید « اشر لو کرعیم » باشد . چون « لو » در عبرانی بمعنی « له » عربی و « برای او » فارسی است و « لا . ونه » در عبرانی وعربی وفارسی بیک معنی است

﴿ قس ﴾ این غلط در توریهٔ مکرّر است . عدد ۳۰ باب ۲۵ سفر لاویان ترجمهٔ عربی « البیت الذی فی المدینة ذات السور » فارسی « خانهٔ که در شهر حصار دار است » همچنین سائر تراجم . ولی . توریهٔ عبرانی باز « لا » بجای « لو » مرادف « برای او » گذاشته . میگوید « هبیت اشر بعیر لا حمه » . . . عدد ۷ باب ۲۱ سفر خروج « مترجمین مینویسند » که او را برای خود

نام زد کرده ، تورىة عبرانى ، اثر لا یعده ، (که اورا نام زد نکرده) ـ حواشي عبرانى در تمامى ان موارد غلط مزبور را تصحیح کرده وبجاى ، لا ، ، لو ، مینویسند . قرائت وتراجم هم بهمین نهج جاریست (حواشي تورىة عبرانى را مراجعه کنید . بیشتر از صد مورد درحروف افزوده یا کاسته یاتبدیل نموده اند . قرائت وتراجم هم بنهج حوشي جارى است . زیرا که غلط اصل عبرانى بدیهى است . ولى شدّت تعصب اصل عبرانى را برصورت مغلوط گذاشته ودرحواشي تصحیح نموده اند

﴿ عمانوئیل ﴾ این غلط مکرّر درکتاب آسمانى ؟ آنهم باشنونده ونویسنده مثـل موسى تعجب است ؟ بفرمائید از کیست . ازکجا است . ازچه وقت است (شکیب رفته زکف تابکى شکیبائى) شما پى درپى فرموده من بنویسم ـ بفرمائید . بفرمائید

﴿ قس ﴾ عجله مکن (ستبدى لك الايام ما كنت جاهلاً) صبرنموده . خود داراى کن (بکوشش بهره مندان بهره مندند) قرآن مجید میفرماید (والّذين جاهدوا فينا لنهدينهم سبلنا)

(عمانوئيل) تعجب است . ميبينم . بقرآن مثل زده واستشهاد ميداريد .

﴿ قرآن مجيد وبين پيغمبر او ﴾

﴿ قس ﴾ . چرا . بقرآن مجيد مثل نزد واستشهاد ندارم . نمي بيني . داراي حكمت وفلسفه حقايق . وحقيقت ارشاد است

﴿ عمانوئيل ﴾ — آقاي قس — مي بينم — پي در پي قرآن تمجيد مينمائيد . آيا ميفرمائيد وحي الهي است ؟

(قس) (خود مجيد است نه تمجيد نمايم ان را) لازم نيست كه بگويم وحي الهي است . بله . كتاب حكيم عليم است وبگانه كتاب آبرومند درحكمت . در هيچ بابي داخل نشده مگر حقايق را بهترين بيان جلوه دهد (آنهم) باانكه (محمد ص) بااعراب وحشي بت پرست زيسته ودرآنها پرورش يافت آنها هم از فلسفه ومعارف ومدنيت واجتماع بهره نداشتند

(عمانوئيل) پس (محمد ص) اين علوم راكجا ديده وبچه مدرسه مهاجرت نموده است ؟

(قس) (محمد ص) شخصی امّی بوده نمیخواند ونمینوشت .
ودر این مدّت وطن واقوام وحشی خودرا مفارقت نداشته
فقط مدّت مختصری با خویشان خود بشام بعزم تجارت
مسافرت نمود بعادت بادیه نشینان که بشهر رفته وشهر چهار . پنج
روز آزوقه خریده وبرمیگردند . هیچ درسی نخوانده وآموز
گاری نداشت . بتاریخ مراجعه کنید

(عمانوئیل) - آقای قس - ازاین بیانات سرشار محترم بهره مند
گردیدم . ولی . متأسفانه بی پرده نمیفرمائید ویکمرتبه آسوده
خاطرم نمیکنید

﴿ قس ﴾ این مطلب را گذاشته - بتوریة و درس خود
مراجعه کن

(عمانوئیل) توریة را خوانده . ودران خرافات دیگری
وکفرهای پی درپی مشاهده مینمایم - ولی - قرآن همین
قسم است که میفرمائید . درهر بابی که داخل شده بهترین
بیان حقائق پوشیده را جلوه میدهد — دراین صورت —
باز بگویم توریة کتاب خداوند وقرآن کتاب بشر است ؟ .
آنهم بشریکه دربین یك دستهٔ بت پرست وحشی پرورش

یافته وتحصیلی هم نداشته است وصاحب یگانه کتاب هدایت وحکمت میباشد. کتابیکه. مصالح دینی وسیاسی واجتماعی وفلسفی دانشمند در آن خوض نموده واستفاده مینماید

﴿ قس ﴾ (خندان) عجب است !! مگر در عهد جدید مقدّس عدد ۲۱ و۲۵ اوّلین نامه که باهل قرنتس است نخوانده اید ؟ نگفت (خداوند پسندید که مؤمنین را بجهالت موعظة یا بحماقت موعظة خلاصی دهد - زیرا که جهالت خداوند . یا حماقت خداوند از مردم حکیم تراست !!

(عمانوئیل) - آقای قس - اگر بهمین سؤآل مسلمانی بمن اعتراض میداشت . جواب هم این بود . آیا میپذیرید . بمثل جواب شما بآنها جواب بگویم !

(قس) توهم قبول داری ؟ !

(عمانوئیل) نه - آقای من

(قس) پس عقل خودرا حاکم نموده . وبخوان (برخوان که براهد از افق هور)

﴿ جلال بخداوند . قدس انبیاء . بیانات عهدین ﴾

﴿ عمانوئیل ﴾ خواندم تا عدد ۱۲ باب ۲۰ سفر اعداد

(خداوند بموسی وهرون گفت چونکه بمن ایمان نیاورده اید) . گفتم ـ آقای قس ـ مگر موسی وهرون بخداوند ایمان نداشتند ؟!

﴿ قس ﴾ نیز عدد ۱٤ باب ۲۷ اعداد است خداوند بموسی وهرون خطاب فرمود « شما از قول من عصیان ورزیدید » . عدد ۵۱ باب ۳۲ سفر تثنیه « مرا خیانت نموده اید » — ای عمانوئیل — یک نفر از قسیسهای محترم ما . موسوم به « ولیم اسمت » بذکر اسحق پیغمبر رسیده . ومی بیند که توریة باین شخص نسبت دروغ داده . وسائر پیغمبران هم دروغ گو . و . شمرده است « میگوید » کمال در بشری موجود نیست مگر در یگانه کامل بی نظیر . واسف آور است مقربان الٰهی هم محتاج بوعظ باشند « بکتاب قسیس مذکور » طریق الاولیاء » مراجعه فرمائید

(عمانوئیل) . گویا . ولیم است نمیدانست توریة بخداوند متعال هم نسبت کذب داده . ومار راناصح وراستگو میداند . البته . حکایت آدم ودرخت ومار ونهی خداوند رافراموش نفرموده اید « نیز » در بدوارسال موسی امر نموده که موسی

باشیوخ اسرائیلیان نزد فرعون رفته ودروغ بگویند . عدد ۱۰ باب ٤ کتاب ارمیا « گفتم ای خداوند یهوه این قوم واورشلیم را بفریفتن فریب دادی گفتی شمارا سلامتی خواهد بود وحال انکه شمشیر بجان رسیده است » استعانتی هم که خداوند متعال برای اغواء اخاب بروح کذب داشت مراجعه فرمودید : آن مواد هم درصفحهٔ ۹ و ۱۱ و ۹۲ تا ۹۷ مذکور است واین گونه نسبتهای زشت درکتب وحی ما سرشار میباشد « نمیدانم » ولیم اسمت . این امور را ندیده یاخود داری کرده است ـ آقای قس ـ بفرمائید مقصود ولیم اسمت از یگانه کامل بی نظیر کیست ؟

(قس) آیا مسیح نیست ؟

(عمانوئیل) درعدد ۲ تا ۱۱ باب ۷ انجیل یوحنا . برادران مسیح باو گفتند دراین عید یهودیه وبیت المقدس بروید مسیح گفت شما بروید من دراین عید نخواهم رفت . سپس خودش مخفیانه میرود . آیا . این دروغ نیست ؟ کاش اناجیل ما بهمین نسبت زشت اکتفا نموده ودامان قدس مسیح را بچیزهای دیگری چرکین نمیداشتند ـــ جزء اول (الهدی) صفحهٔ ۱۹۷ تا

٢٣٤ متذکر است مراجعه فرمائید . کاش ولیم اسمت حاضر بوده مسیح را هم موعظه میداشت

(الیعازر) مدتیست بقرائت توریة ومذاکرات شما گوش داده - نمیدانم بیانات توریة را انکار کرده یا حق کشی نمایم - زیرا که کتاب خداوند است . واز طرفی بیانات آن بکلّه فرو نمیرود - جناب قس - (بگو . بگو . مگذر کو فرار گاه مرا)

(قس) بنور هدی وتوفیق یگانه فرزند دانشمندت عمانوئل در اطراف این مطالب بحث مینماید وامید است بزودی موفّق وبهره مند شود — (من) نمیخواهم بدون برهان ومراجعهٔ وجدان قول احدی را تصدیق نموده ومترصّد تصدیق وتکذیب من یا دیگری باشید . انشآء الله بمذاکرات ما گوش داده بهره مند خواهی شد . ممکن است شما هم درضمن مذاکرات ما استیضاح نمائید

—﴿ جرئت . وسوء ادب ﴾—

﴿ عمانوئیل ﴾ درشمارهٔ ٩ صفحهٔ ٢٦٨ و ٢٦٩ و ٢٧٥ مجلة العرفان صیدا است دست یکی از تلامیذ مکتب فرار کتابی فرانساوی چاپ سنهٔ ١٩٢٣ مشاهده نموده واسم کتاب مختصر

تاریخ فرانسه است و در پشت آن مؤلفین را جماعتی از استادها نوشته اند . واز مکتبهٔ کاتولیکی درلیون و پاریس شخص خواستار بطلبد — ازمندرجات ان کتاب درچاپ تازه صفحهٔ ۲٤ ودر چاپ کهنه صفحهٔ ۲۲ این دو جملهٔ زشت موجود است (۱) « اصل عرب از بلاد عربیه است ودین محمد دروغگو را اختیار نموده اند . اینکه بر اتباع خود واجب ومقدس نموده دین خود را بقوهٔ سلاح نشر داد (۲) « آنهائی که متابعت پیغمبر دروغگوی خود را داشته اند . . . » — نیز مجلهٔ ارشاد بغدادی صفحهٔ ٤ و ٥ عدد ۳۲ روز شنبه سنهٔ ۱۳٤٥ مقالتی بامضاء وتوقیع جمعیت عالمیه صلیبیه برای تنصر عالم و بلاد عرب نقل نموده ومرکز این جمعیت عمارة ۱۹ اهیلندرود ابرونوررود لندن . ورئیس جمعیت مستر استند ومراقب (قس بارکلاین است) از تجریات آن مقاله هم این دو جملهٔ زشت میباشد (۱) « برای عرب دعا کنید تا خداوند آنهارا ازشیطانیکه برای آنها کتابی بیهوده ساخته وفریب خورده اند نجات دهد . وآن قرآنیست که محل کلمة الله الحیه « یعنی اناجیل » جای گرفت » — (۲) « حجاج زیادی برای حج مکة قطع بیابانها مینمایند ودر مکه

تولد ان پيغمبر دروغگو است ! ! » — آقای قس — چرا اولاً
این نویسنده گان بادب اناجیل رفتار نکرده ونگهبان شرف
دین وانسانیت نیستند ؟ به پیغمبر مسلمانان این گونه نا سزا
میگویند واو را دروغگو میخوانند . مگر عدد ٤٤ باب ٥ انجیل
متی و ٢٨ باب ٦ انجیل لوقا از تعلیم مسیح نیست « واز برای
آنها که شما را لعن میکنند برکت طلبید » ندیده اند — روشن
وبدیهی است که چهل سال از سن آنحضرت گذشته وهمهٔ مردم
دراین مدت او را (راستگوی امین) مینامیدند وهمچنین
بعد ازاین مدت وتا حال هجرت از مکه دوست ودشمن اموال
قیمت دار خود را نزد او ودیعه میگذاشتند . بله . بله مردمان
وحشي بت پرست از روی شعف بشرك درخصوص دعوت
توحید وصلاح وشریعت مدنیه او را تکذیب مینمودند
. ازجملهٔ این دعوت (لا تقولوا ثلاثة انتهوا خیراً لکم انما
الله آله واحد) است . پس چرا قوم ما بنا براعتقادیکه بلوند
دارند فقط دراینموضوع او راتکذیب نموده اند ؟ ! — آقای
قس . آقای قس — مگر شایسته است باین یگانه کامل ومصلح
بزرگ نا سزا گفته وخود را درعالم دین وانسانیت ننگین دارند

﴿ قس ﴾ میگویند (چه گویم که نا گفتنم بهتر است) . ولی
. باید گفت چنانچه تاریخ متذکر است . پیغمبر مسلمانها دین
خود را بجدیّت ولطف دعوت وکمال تحمّل ترویج داشته
. وبقوّت سلاح پیشرفت نفرمود . بلکه بعد از دوازده سال نظر
بجلوگیری بُت پرستان از پیشرفت موّحدین وظهور توحید .
وحملات خونین مشرکین . انحضرت هم بمقدار لازم دفاع
فرموده وحمایت حقوق میداشت - ای عمانوئیل - تاریخ
زنده گانی این یگانه مصلح کامل مراجعه نموده وبه بین که در
تمامی حروب سبقت بستیزه نمود وستیزهٔ عدوانی نفرمود
(الیعازر) -- آقا . آقا -- گرفته نشوید . مگر توریة وکتب
عهد قدیم خداوند جل وعلا را کاذب وکذب آموز نداشته است
. مگر کتب عهدین مسیح وجمله از انبیاء را کاذب نشمرده اند
. اینها هم به پیروی کتب وحی خود نموده . پیغمبر مسلمانانرا
هم مانند خدا ومسیح وجمله از انبیاء کاذب میشمارند (عیب
باشد دروغ یا هنر است) ؟ نمیدانم
(قس) - عمانوئیل - شما هم گرفته نشوید . اهمّیت ندارد .
بخوان . بخوان

﴿ توریة وقتل زنان . وکودکان ﴾

(عمانوئیل) خواندم تا عدد ۱۷ و ۱۸ باب ۳۱ سفر اعداد دیدم (پس از انکه اسرائیلیان بر مدیانیان غلبه نموده وزنان وکودکان آنهارا دستگیر واسیر داشتند موسی امر داشت پسران کودک وزنان ثیبّه را کشته ودختران باکره را برای خود نگاه دارند وعدّهٔ انها سی ودوهزار بود — یکمرتبه صورت خودرا بطرف پدر وقس کرده گفتم مگر قتل زنان وکودکان شریعت الٓهی است - وای . وای . درصورتیکه عدّهٔ دختران باکره سی ودوهزار بود عدّهٔ پسران کودکان وزنان مقتول چه قدراست ؟

(قس) ای عمانوئیل . عدد ۳٤ باب ۲ سفر تثنیه متذکر است (موسی گفت) (تمامی مردان وزنان وکودکان شهرهای اموریان را هلاك کرده واحدی راباقی نگذشتیم) درعدد ٦ باب ۳ سفر مذکور است (وتمامی مردان وزنان وکودکان مملکت عوج را هلاك نمودیم) — عدد ۳٤ باب ۲۱ سفر اعداد تذکار میدهد (این اقدام هم بأمر خداوند بود) . خوب است عدد ۱۹ و ۱۷ باب ۲۰ سفر تثنیه را مراجعه

داشته به بینید چگونه خداوند اسرائیلیان را امر نموده و گفت (شهرهای حتّیان واموریان وکنعانیان وفرزیان ویبوسیان تاراج کرده وازبشر وبهائم هیچ نسمة ودیّاری را باقی نگذارند) — یوشع هم درمحاربات خود همین قسم نموده وعدهٔ مقتولین ان غزوات بیشتر ازصد هزارزن وکودك بود (بسفر یشوّع مراجعه شود)

﴿ عمانوئیل ﴾ حماقت این شریعت شخص را خندانیده . وقساوت او میگریاند (بهرهٔ قتل چارپایان چیست) ؟ قتل زن وکودك چه قدر مؤثر میباشد وشخص رامیگریاند — پدر . پدر بزرگوار وجدان شما میپسندد قتل زنان وکودکان شریعت الٓهی بوده باشد ؟

(الیعازر) شریعت خداوندی باین درجه قساوت وبربریّت نبوده ونخواهد بود . ولی . باحضور حضرت قس اظهار عقیده از من بیجا است وامیداست سبب رابیان فرمایند

﴿ قس ﴾ گویا گذارشهای سابقیکه دراطراف انها کنجکاو بوده ونمیدانستیم بیانات توریه است ؟ یا . . . فراموش نموده واینک از سبب همین یك گذارش سؤآل

میبمائی .

(الیعازر) خوب . خوب . مسبوق شدم . سبب تمام را بفرمائید

(قس) خود داری نمائید . گفته اند (هر سخن جائی وهر نکته مکانی دارد) — عمانوئیل . عمانوئیل . بخوان . بخوان .

﴿ منازل اسرائیلیان وتوریه ﴾

(عمانوئیل) باب ۳۳ سفر اعداد . بترتیب . منازل اسرائیلیان را از مصر تا عبر اردن محل وفات موسی ذکر مینماید - میگوید - از طور سینا تا موسیر و مسیروت ۱۵ منزل است سپس . چاههای بنی یعقان . هور الجدجاد . . یطبات . عبرونه . عصیون جابر . بیابان صین . قادش . کوه هور مردنگاه هرون . صلمونه . فونون . اوبوت . عیعباریم . دیبون جاد . علمون دبلاتایم . عربات مواب مقابل اریحا - ودر باب ۳ و ٤ و ۸ و ۱٦ سفر اعداد است که خداوند سبط لاوی را برای خدمت خیمهٔ اجتماع و برداشتن تابوت عهد در دامنهٔ طور سینا (فرود گاه اسرائیلیان) مقرر فرموده است . وبدیهی است نوشتن

دولوح عهد وبخشش آنها ازخداوند درمرتبهٔ اوّل ودوّم در سینا بوده وقبل ازحرکت اسرائیلیان از سینا

(قس) غرض شما ازاین بیانات چیست ؟

(عمانوئیل) مقدّمة تقدیم داشته وسپس مقصود خودرا عرضه خواهم داشت ـ شروع بقرائت کرده بباب ۱۰ سفر تثنیه رسیدم . عدد ۱ تا ۹ میگوید . مذاکراتیکه موسی باخداوند مرتبه دوّیم دراطراف دولوح داشته وروزه که گرفت مانند مرتبه اوّل چهل روزبود — دراین بین کلام را بی ربط بریده میگوید « واسرائیلیان ازچاههای بنی یقعان بموسیر (۱) کوچ کرده ودرآنجا هرون مرد وپسرش العازر رابکهانت پرداخت وازآنجا بجدجوده وازجدجوده به یطبات که محل آبهای جاری است رفتند ودراین وقت خداوند سبط لاوی را برای برداشتن تابوت عهد وخدمت خداوندی گماشت » — آقای قس [illegible]

گذاشته بفرمائید چرا تو [illegible]

---

(۱) موسیر . ومسیر [illegible]

الجدسباد . وجدجوده [illegible]

هور گفته ودراینجا موسیر میشمارد . نمیداند موسیر هشت منزل قبل از (کوه هور) است ؟ ! بفرمائید قصه دو لوح وخدمت گذاری لاویان چه مربوط باین جمله بود ؟ نمیدانم توریة هم مانند اسرائیلیان تمرّد حضرت حق نموده ودر ترتیب منازل ومردنگاه هرون سرگردانست

﴿ قس ﴾ راست میگوئید هیچ یك بسابق خود مربوط نیست وبین انها تناقضات بزرگیست ولی (چکنم . چاره چیست آه افسوس)

(عمانوئیل) ـ شاید نیست ـ ترجمهٔ که در سنهٔ ۱۸۱۱ طبع گردیده خودسرانه دراین مقام توریة تازه مینویسد . میگوید « هنگامیکه خداوند شفاعت مرا راجع بهرون پزیرفته ایستاد تا اسرائیلیان از چاههای بنی یعقان وموسیر کوچ کردند » اصل این ترجمه وسائر تراجم واصل عبرانی را مراجعه فرمائید . این نویسنده بیچاره جمله « وهنگامیکه خداوند شفاعتم را راجع بهرون پزیرفته وایستاد تا لفظ « تا » برتوریة عبری وسائر تراجم افزوده است . متأسفانه باین زیاده بیخود هم اصلاح خالی نداشته وکلام را پیوسته نموده .

(قس) (آنچه نخواهی شده بگذر بخوان

—﴿ پیغمبر موعود . وتوریه ﴾—

﴿ عمانوئیل ﴾ خواندم . خواندم تا بباب ۱۸ سفر تثنیه رسیده عدد ۱۵ تا ۲۳ میگوید در تبلیغ موسی به اسرائیلیان وحی خداوند را « یهوه خدایت نبی را از اقرباء تو از برادرانت مثل من برای تو مبعوث خواهد گردانید اورا بشنوید . موافق هر آنچه در حوریب در روز اجتماع از یهوه خدای خود مسئلت نموده گفتی آواز یهوه خدای خودرا دیگر نشنوم واین آتش عظیم را دیگر نه بینیم مبادا بمیرم . وخداوند بمن گفت آنچه گفتند نیکو گفتند نبی را برای آنها ازمیان برادران ایشان مانند تو مبعوث خواهم کرد . وکلام خودرا دردهانش خواهم گذاشت وهرچه باوامر نمایم بانها خواهد گفت . وهرکس سخنانیکه باسم من گوید نشنود ازاو مطالبه خواهم نمود امّا نبی که طغیان کند باسم من سخن گوید که بگفتنش امر نفرمودم یا باسم خدایان دیگران سخن گوید البته این نبی کشته شود . اگر در دل خود بگوئی سخنی که خداوند اورا نگفته است چگونه تشخیص دهیم . هنگامی که نبی باسم خداوند سخن

گوید اگر این چیزی که گفته است واقع نشود ویا نجام نرسد
این امریست که خداوند نگفته است بلکه ان نبی ان را از
روی مکر گفته ازاو مترس »
توریة را کنار گذاشته . گفتم . آقای قس . آقای قس . این
نبی موعود کیست ؟
﴿ قس ﴾ عهد جدید میگوید مسیح است . بطرس در عدد
۲۲ و ۲۳ باب ۳ اعمال رسولان بهمین کلام احتجاج نموده
واستفانوس هم عدد ۳۷ باب ۷ اعمال مزبور بجدید احتجاج
داشته ومیگویند مسیح همان نبی موعود در توریة است ـ مگر
شما تصدیق ندارید ؟

مسیح . واناجیل

﴿ عمانوئیل ﴾ . نه اناجیل مقدسه نمیگذارد باور کنم —
انجیل متی عدد ۳۸ تا ٤۱ باب ۱۲ مسیح در جواب کتبه
وفرّیسیانی که مطالبهٔ آیتی ازاو نمودند گفت « طبقهٔ شریر وفاسق
مطالبهٔ آیتی دارند وجزآیهٔ یونس نبی باو داده نخواهد شد . زیرا
بنحوی که یونس سه شب وسه روز در شکم ماهی ماند پسر
انسان هم چنان سه شب وسه روز در شکم زمین خواهد ماند »

ـ مراد ـ معجزهٔ مسیح از خداوند آنستکه پس از موت در شکم زمین (یعنی قبر) سه شب وسه روز مانده وسپس زنده خواهد شد (با انکه) اناجیل درابواب اخیره میگویند درقبرغانده مگر آخر روز جمعه وشب وروز شنبه وپاسی ازشب یکشنبه . وزنان پیش از طلوع فجر یکشنبه بسوی قبر شتافته واو را در قبر نیافتند وفرشته بآنها گفت مسیح از میان مرده گان برخواست —
آقای من — اناجیل مقدسه میگویند . مسیح سخن گفت بنام خداوند وآن سخن نیامده است . آنهم که دروغ بود ودر توریة است « پیغمبر دروغ گو بایست کشته شود » پس بقول اناجیل مسیح پیغمبر موعود نیست — اضافه بر این در همین اناجیل است که مسیح دیگران را هم (خدایان) خوانده —
بعدد ۳۱ تا ۳۷ باب ۱۰ انجیل یوحنا مراجعه فرمائید « مسیح یهود گفت چرا مرا سنگسار میکنید گفتند چون توانسانی وخود را خدا میگردانی گفت در ناموس شما نوشته است که من گفته ام شما خدایانید پس آنهائیکه کلام خداوند بر ایشان نازل شد خدایان خواند وممکن نیست کتاب منقوض شود »
ـ آقای قس ـ این انجیل میگوید مسیح قائل بتعدد آلهه بود

و در این امر بناموس یعنی بمزامیر استشهاد نمود . گویا این مستشهد کلام خداوند را نفهمیده یا عمداً افتراء زده است چون هر کسی بمزمور ۸۲ مراجعه نماید میداند که (من گفتم شما خدایانید) در مورد انکار بوده و بر قاضیان جور و بی فهم و بی علم سرزنش زده است

و نیز اناجیل تعدّد ارباب را بمسیح نسبت داده اند . باب ۲۲ متی و ۱۲ مرقس و ۲۰ لوقا متذکر است که مسیح پسری داود را انکار کرده بر این انکار دلیل میاورد « چگونه میگوئید مسیح پسر داود است با انکه شخص داود در مزامیر خود میگوید پروردگار به پروردگار من گفت بدست راست من بنشین تا دشمنان تو را پای انداز تو کنم و چون داود اورا بروح القدس پروردگار میخواند چگونه پسر او میباشد » — آقای من — این گوینده و نویسنده در انجام بتعدد ارباب اکتفا نکرده بلکه مزامیر را تحریف نموده و افتراء زده است . در اوّل مزمور ۱۱۰ اصل عبری است (نأم یهوه لأدنای شب لیمینی) ترجمه « وحی نمود خداوند بآقای من » یا « وحی خداوند برای آقای من » . « آدن » در لغت عبری « آقا » و

« ادنای . آقای من است » (پروردگار) هم که در بین نیست . (آقا) هم ممکن است انسان باشد . آقای من . اگر در این تحریف سهل انگاری نمائیم پس تحریف زشت چیست وکدامست؟ بفرمائید . آقای قس . اناجیل ما بواسطهٔ این نسبتها ئیکه بمسیح داده میگویند . مسیح همان پیغمبر موعود در توریة نیست بلکه نقطهٔ مقابل آن پیغمبر درستکار موعود است — آقای من — کسیکه قائل بتعدّد آلهة وارباب . ومزامیر را علناً تحریف نموده آیا شایسته پیغمبری است ؟ یاچنانچه توریة گفته آیا دارای علامت متنبّی کاذب وواجب القتل نیست ؟

. آقای من . در توریة است (که اسرائیلیان از شنیدن کلام خداوند ومصادفة اهوال وآتش عظیم ترسیده واز مقام احدیت خواستار شدند . خدایا بروش دیگر کلام خودرا صادر فرما . خداوند هم پذیرفته وفرمود . کلام خودرا در دهان آن پیغمبر خواهم گذاشت . ولی . بمقتضای عهد قدیم وجدید خداوند کلام خودرا در دهان مسیح وسائر پیغمبران سلف نگذاشته . بلکه تمامی آنها از روی الهام بکلام عادی خودشان

بامردم تکلم میدارند ـ آقای قس ـ توریة میگوید آن پیغمبر موعود ازبنی اسرائیل نیست واز برادران آنها است وازاین مراجعه میداریم که مسیح بمناسبت مریم مادرش ازاسرائیلیان است نه ازبرادران آنها

(قس) درجائی دیگر بنی اسرائیل میگوید « ازمیان تست » مسیح هم ازمیان آنها است

﴿ عمانوئیل ﴾ آنچه در توریة عبری است « مقربك » میباشد یعنی ازخویشان تست . نگفته « متوکك » زیرا وسط . ومیان درلسان عبری « ترك » است اضافه براین درشمارها پی درپی (ازبرادرانت) میگوید

﴿ قس ﴾ ــ عمانوئیل ــ پس چگونه تراجم مقدسهٔ ما « مقربك » رابه « من وسطك . ازمیان تست » ترجمه نموده اند .

ــ شترسوار وغرض رانی مترجمین ــ

(عمانوئیل) ـ آقای قس ـ مترجمین کتب مقدسهٔ ما غرض رانی نموده وباینگونه تحریفات زشت وتصرفات فضیحت آور متعمدند . تحریف « وحی پروردگار باقای من » رادر ورق

قبل ذکر شده - ودر عدد ۷ باب ۲۱ کتاب « اشعیا »
به بینید که « سواران جفت . خرسوار وشترسوار » را به « فوج
سواران جفت جفت . سواران خرها وسواران شترها » تحریف
داشته واصل عبری را کنار گذاشته اند . اصل عبریست
« وراه رکب صمد فرسیم رکب حمور ورکب جمل » سواران
درعبری « رکبیم » وبااضافه « رکبی » اقلاً در (سفر قاضیان)
عبری عدد ۱۰ باب ۵ وعدد ٤ باب ۱۰ وعدد ۱٤ باب ۱۲
مراجعه نموده . ولفظ شترها « جلیم » است اقلاً سفر تکوین
عبری عدد ٦۱ باب ۱۲ وعدد ۳۰ و۳۱ و۳۵ باب ۲٤ را
مراجعه فرموده . ولفظ خرها « حموریم » میباشد اقلاً سفر تکوین
عبری عدد ۳۵ باب ۲٤ وسفر اعداد . عدد ۲۸ و۳۰ و۳٤
و ۳۹ باب ۲٤ را مراجعه فرمائید . ولفظ خر « حمور » است اقلاً
سفر خروج عبری عدد ۸ و۹ باب ۲۲ ملاحظه شود . ولفظ
شتر « جمل » میباشد اقلاً سفر لاویان عبری عدد ٤ باب ۱۱ وسفر
تثنیه عدد ۷ باب ۱٤ را مراجعه فرمائید

(قس) راستی (این تحریف فضیحت آور راست) ونمیدانم در
کدام ترجمه است

(عمانوئیل) درجملهٔ ازتراجم چاپ بیروت وغیره میباشد از انجمله نسخ ۳ و ٤ و ٥ که درصفحه ۲٦ ذکر شد . بله . در نسخهٔ ۸ و ۹ این تحریف نیست

﴿ قس ﴾ میدانی مقصودُ آنها ازاین تحریف چه بوُده است ؟

﴿ عمانوئیل ﴾ این کلام درکتاب اشعیا بنبوتی برجسته وریاستی دینیه اشاره داشته . ومسلمین هم مسیح را همان خرسوار . وپیغمبرخود (محمد ص) را همان شترسوار میدانند . لذا . مترجمین غرض رانی کرده خرسوار وشتر سواررا خرسواران وشترسواران نموُده اند — بنده همچه تصوّر مینمایم .

(قس) — فرزند — این تحریف هم زیانی بمسلمین نمیرساند . وباز هم برای انها سودمند است

— ای عمانوئیل — فعلاً این را گذاشته . بگوئید . نظرشما در معرفت این پیغمبر موعودُ چیست ؟ وشخصیکه توریهٔ میگوید (خداوند اورا مانند موسی نصب مینماید) چه کس است ؟ وچه مدرکی داری

—﴿ پیغمبر اسلام ﴾—

(عمانوئیل) توجهی بپدر خود نموده سپس بحضرت قس اظهار داشتم اگرچه مذاکره وبحث بهترین وسیلهٔ کشف واقع است . ولی . من کجا واین معنی — بله . بله — مسلمانها برما اقامهٔ دلیل کرده ومیگویند توریه پیغمبر آنها (محمد) اشاره مینماید . بآنها گفتم خیر . خیر مسیح است . آنها هم ببیاناتیکه قبلاً بحضر عالی اظهار نمودم جواب مرا داده . دیگر جوابی نیافته بآنها بگویم — بلکه پس ازاظهار عقیده گفتند پیغمبرما ازاولاد اسماعیل پسر ابراهیم است واز برادران بنی اسرائیل شمرده میشود . واین مطاب را تاریخ عرب وتصدیق قبائل اعراب درطبقات عدیده روشن داشته واذعان قحطانیان تأیید میدارد . والبته درصورتیکه قابل خدشه بود قحطانیان این فخررا برای عدنانیان نمیگذاشتند . و (محمد) ص شخصی است که خداوند کلام خود (قرآن) را بدهان وزبان او مانند کلام خود باموسی در کوه سینا گذاشته . نه بنحو کلام انبیاء باقوم خودشان در تبلیغ وحی خداوند را چنانچه در کتب عهدین است

﴿ اخبار پنهانی در قرآن ﴾

و نیز (محمد ص) بنام خداوند سبحان بامور غیبیة بزرگی در (قرآن) خبر داده . و تمامی واقع گردیده است ﴿ ۱ ﴾ آیهٔ ۹۵ سورة حجر مکیة است که در بدء بعثت مردم را بدین مقدّس اسلام دعوت میداشت و خداوند هم اورا بشارت داده فرمود (انّا کفیناك المستهزئین) (استهزاء کنندگان ترا کفایت میکنم) و برطبق این بشارت خداوند انحضرت را بشریفترین کفایت سرافراز فرموده است ﴿ ۲ ﴾ آیهٔ ۹ صف مکّیه است (لیظهره علی الّدین کله و لوکره المشرکون) واورا به بهترین اظهار برتمامی دین اظهار فرمود . وقریب همین مضمون آیهٔ ۳۳ سورة برائت قبل از فتح مکه است (۳) سوره « تبّت » مکّیة درعاقبت ابولهب و زنش (سیصلی ناراً ذات لهب وامرأته حمّالة الحطب) « بازن هیزم کش خود داخل آتشي زبانه دار خواهد شد » آنها هم بآئین شرك مرده وباین سبب مستوجب دوزخ شدند « زآئین مشرك برآتش رهی است » — مختصر — انچه درقرآن کریم خبر داده دیده شد

(قس) آیا دلیل مسلمانان منحصر بهمین (اشارهٔ توریة) بود که خداوند اورا نصب خواهد فرمود

﴿ عمانوئیل ﴾ خیر . خیر . بسیار است ودلائلی روشن دارند . ولی . با یهود ونصاری به بیانات توریة مناظره مینمایند .

(الیعازر) — عمانوئیل . عمانوئیل — آرام . آرام — بی حرف — میبینم مانند یکنفر مسلمان متعصب مکالمه مینمائی — آقای قس — مگر نمیشنوید چگونه بساحت مسیح ومقام برجسته او طعنه میزند

(عمانوئیل) ای پدر بزرگوار من کجا مسلمین کجا . آنهارا چه عن . فقط برای پا برجائی دین خود کوشش نموده وطریقهٔ حقه را خواستارم — پدر . پدر — مستحضرید که تعصب بکلام دروغ بیهوده است آیا در کلام من دیده شد ؟ . متمنی است در کلمات بنده واظهارات عهدین دقت فرموده تشخیص دهید انگاه بفرمائید من بقدس مسیح ورسالت او جسارت نموده ام یا اناجیل مقدسهٔ ما ؟ — بسر مبارك — انچه برشما مستور بزرگتر وبزرگتر است ازانچه میدانی

(الیعازر) ـ فرزند ـ طعنهٔ هم که قرآن ومسلمانان برسالت وقدس مسیح زده اند متابعت نمودی پس تکالیف من چیست وپس ازاین چکنم

ــ ﴿ قرآن ومسیح . وتثلیث ﴾ ــ

(عمانوئیل) معذرت میخواهم ببخشید » با سلام وقرآن مرا کار نیست . . ولی . حق باید گفته شود وانصاف جمال بشر وشرافت انسان است . قرآن یگانه کتابیست که مسیح ورسالة اورا تمجید نموده . ودامان قدسش را به نسبتهای اناجیل چرکین نمیدارد . ومیتوان گفت دراطراف قدس مسیح اغلاط اناجیل را تصحیح مینماید

بله . بله . قرآن عقیدهٔ تثلیث برهمی بود آئی رومانی نصاری را تنقید داشته . ومسیح را ازاین عقیده تبرئه میدهد .

(الیعازر) درصورتیکه قرآن احترام قدس مسیح را نموده ونگهبان شرافت او میباشد من هم آنرا تقدیس میدارم . وبنفس خود مقدس است ـــ امّا تثلیث که مخالف عقل وبرهان است . وازاوّل عمر بآن عقیده نداشته ام . ولی . قسیسان مارا

آموخته و میخواهند کور کورانه تصدیق کنیم » و وجدان کشیم و گفته بیهوده بشنویم » - بطوریکه بوجدان خود رجوع نموده . وبعقل ذرهٔ بین خود نسنجیم — آقای قس — عفو بفرمائید . نمیفهمم چگونه خداوند یکتا دارای سه اقنوم است (یکی) پدر درآسمان (دوّم) پسر که در زمین متجسّد گردید . پسریکه گرسنه وتشنه میشود . میخورد ومینوشد . کشته میشود (سیم) روح القدس . بالا میرود . پایین میاید وبالأخره بشا گردان قطعه قطعه منقسم گردیده است (این سه یکی یکی سه . سه یك یك سه چیست چیست ؟) به بخشید من شخص تاجر محاسبي هستم . نمیدانم . نمیرسم . واحد حقیقی چگونه سه است . وسهٔ که دارای صفات وآثار مختلفه است چگونه یکیست ؟ — آقای من — معذرت میخواهم . بنده از مردمان متوسّط هستم ومعنی تجسّد آله‌را نفهمیدم خواهشمندم برمن منّت گذاشته وایهارا بمن بفهمانید .

(قس) — جناب الیعازر -- اگر تعقل این امر ممکن بود دیگر قسیسان شما خواستار ایمان بسیط نبوده واقامهٔ

برهان مینمودند

(الیعازر) ـ آقا ـ اجازه میدهید بهمین ایمان بسیط کورانه خود باقی باشم ؟

(قس) چرا ازمن استئذان مینمائی . من هم مانند تو یکنفر مخلوق میباشم . برو . وبدلالات عقل و وجدان خود ازخداوندت استئذان نموده و نجات خودرا خواهان باش . فعلاً خود داری داری وصبر کرده . عجله مکن

(الیعازر) ـ آقای من ـ تا چند . تا کی . صبر نمایم . من که شخص تاجری هستم اگر وقت مطالبه سندم برسد آنی بمدیون فرصت نمیدهم . بفرمائید . چگونه در اطراف دین خود کنجکاو نبوده ودر این موضوع خود داری کنم . باانکه دین یگانه سبب نجات وسعادت است

(قس) . ای الیعازر . اگر مدیون بگوید . شب است . توهم در کسالت خواب هستید . راه هم مغشوش میباشد وپول شما نزد من حاضر است . ولی . تا صبح من باشما بوده . پس از رفع کسالت خواب وجه را تقدیم خواهم داشت . ازوقت در سکه پول دقت کرده وباروشنائی وفرصت کاملی بشماریه

— آیا — باین مدیون اظهار تشکر نموده یا مذمت خواهی داشت .

(الیعازر) تشکرات خودرا بچنین مدیون تقدیم داشته ومخالفت نصیحت او نخواهم نمود

﴿ قس ﴾ پس مرا مهلت داده وبمذاکرات ما گوش دهید .

(عمانوئیل) مذاکرة قس با پدرم مرا روح حیوة بخشیده . ودانستم که شخصي عاری از تعصب وحق کشیست . ولی . اشتیاق مفرطی بطی مراحل بحث داشته . وبزودی وصول بمقصود خواهان بودم

(قس) — عمانوئیل — بخوان — الیعازر شما هم بشنوید

— ﴿ توریة . وکسیکه بگوید زنم باکره نبوده است ﴾ —

﴿ عمانوئیل ﴾ پس خوانده تا بباب ۲۲ عدد ۱۳ تا ۲۲ سفر تثنیه رسیده . دیدم میگوید (هرگاه مردی دختری را گرفته وبگوید باکره نبوده . پس پدر ومادر دختر علامت دختری وبکارت او را برداشته ونزد بزرگان شهر ببرند وآن پارچه خون آلود را در مقابل انها بگسترانند . آنوقت بزرگان

شهر آنمرد را تأدیب کرده ویکصد مقداری از نقره اورا جریمه نمایند وبه پدر دختر بدهند وآنمرد نمیتواند تمامی عمر خود زن مزبوره را طلاق بدهد . ولی . اگر چنانچه مطابق ادّعای مرد بود وعلامت دختری وبکارت نداشت زن را سنگسار کرده تا بمیرد . زیرا که بزنای خود عمل زشت درمیان اسرائیلیان نموده است

﴿ قس ﴾ آیا در این شریعت می بینی چیزیکه در او بحث نمائید ؟

(الیعازر) ـ آقای من ـ منکه شخصی از عوام وبی علم هستم میدانم که این شریعت ظلم انگیز . آئین خداوند نیست . بفرمائید . چیست علامت دختری وبکارت که بایست به بزرگان شهر ارائه دهند ؟ مگر خونْ کمی بپارچه نیست ؟ آیا این کار کار مشکلی است ؟ ومادر دختر نمیتواند پارچه بخون گنجشک آلوده وبه بزرگان شهر ارائه دهد . وباین وسیله ننگ فامیلی خود را برداشته واستفاده مالی هم بنماید . ودختر را هم طوق بلائی نموده بگردن مرد بیچاره بیفکند ـ آیا خداوند این علامت بی اصل را میزان احکام وتکالیف قرار میدهد ؟

. آقای من . برفرض كه آن زن هم « علامت دختری » نداشت . بفرمائيد . بچه سبب اورا سنگسار نمايند تا بميرد ؟ وچرا اورا زانيه وزشت كار بدانند - مستحضريد - كه علامت دختری وبكارت پردهٔ نازكی است كه بجستن سخت وحركت شديد پاره ميشود . ودر موضعيكه خون حيض بسيار گرم وتنـد است بواسطـهٔ توالی جريان پرده را پاره ميـنمايد . آيا در اين صورت ممكن است اورا زانيه وزشت كار ناميده وسنگسارش نمايند . آنهم بدرجهٔ كه آن بيچاره با عفّت ونزاهت بميرد . آقای من . چگونه . خداوند اين شريعت ظلم انگيزرا برقواعد غير معقوله چيده ومرتّب فرموده است ؟

(قس) . ای اليعازر . می بينم بر توريتی كه بايست اورا تمجيـد نموده واحترام كنی اعتراض مينمائی

(اليعـازر) لازم است كه شريعت حقّه را ستـايش نمُوده وثنـا خوان آئين خداوندی باشم . وازاين جهت برآنچـه منافی مجد وعدل وحكمت خداوندی است اعتراض خواهم داشت . آقای من . من بندهٔ خداوند هستم . نه بندهٔ مكتوبی كه با مجد خداوند منافات دارد

﴿ قس ﴾ اى عمانوئيل . بخوان — بخوان

—﴿ توريةٌ . وطلاق ﴾—

﴿ عمانوئيل ﴾ خواندم تا عدد ۱ باب ۲۴ . گفتم . آقای من .
توريةٌ ميگويد چون کسي زنی بگيرد ونکاح خود را بياورد
اگر بنظر او پسنديده نيايد ازاينکه عيبي در او بيابد انگاه طلاق
نامه نوشته بدستش بدهد واورا ازخانه اش رها کند —
بفرمائيد — جهت چيست جماعت نصاری طلاق را حرام
نمودُه وزشت ميشمارند ؟

﴿ قس ﴾ . فرزند . اناجيل ميگويند که حضرت مسيح اورا
حرام وباطل فرمودُه واصرار بر زشتي آن نمودُه است —
ودر صورتی که مايليد در اطراف اين مطلب مذاکره نمائيم
خوب است بحث را محوّل بقرائت اناجيل داشته . وفعلاً قرائت
توريةٌ را بتدريج خاتمه دهيم

—﴿ زن برادر . وتوريةٌ ﴾—

﴿ عمانوئيل ﴾ خواندم تا باب ۲۵ عدد ۵ تا ۱۱ خواندم
— مختصر — ۵ اگر چندين برادر بودُند ويکي از انها وفات
نمودُ وفرزند نداشت زن اورا برادر تزويج نمايد واوّلين

فرزندی که از آنها متولّد شود جانشین آن میت خواهد بود
واورا فرزند آن میت میخوانند . واگر برادر نپذیرفت . آن زن
نزد بزرگان اسرائیلیان رفته شکایت نماید . ودر صورتیکه آن
برادر استنکاف داشت درمقابل رؤساء اسرائیلیان کفش از
پای او بیرون آورده وآب دهان بصورتش میاندازد . ودر
اسرائیلیان ، خانه کنده شده کفش ، خوانده شود
(الیعازر) شکر خداوندیکه مرا یهودی ودارای برادران زیاد
نکرده است . والّا . صورت من هم درمخاطره این بود که
در آب دهان زنان بی حیا غرق شود
« عمانوئیل » . آقای من . این چه عادت وحشیانه است
که برنده ادب ودرندهٔ پردهٔ حیا وشرافت است . با اینکه براو
فائده هم مترتب نیست . مگر حکمی زور ودروغ بی حقیقتی
است وچگونه میشود این فرزند بنام میّت قیام کرده ونام اورا
زنده نماید . این گونه احیاء نام میت بتزویر ودروغ دیگری
هم حاصل میشود . پس لازم نیست مرد را در میان دو بلا
بگذارند یا اورا رسوا کرده وبشکل زشتی اهانت دارند . یا ،
مجبور بتزویج زنیکه نمیخواهد بنماید . بلکه خوشوقت است

برادرش مرده . خود وخانواده اش ازشرّ این زن خلاص شوند . آقای من . این شریعت بیهوده ازخداوند وموسی وتوریهٔ حقیقی دوراست . راستی آئینی سست وپست وازافکار مردمان بی سر وپاشمرده میشود

﴿ قس ﴾ . ای عمانوئیل . بأین درجه بتوریهٔ مقدّسه زبان درازی مکن

(الیعازر) . به بخشید . این توریهٔ خود شخص را مجبور بزبان درازی نموده وعصبانی مینماید

(قس) – بزودی گشاید دری بر تو حق –

(عمانوئیل) . آقای من . آیاپیش ازتوریهٔ هم اثری ازاین آئین زشت بود ؟

﴿ قس ﴾ امّا راجع به (جفت کردن) و (آمیزش کردن) بنظرم نمیرسد — ولی — در توریهٔ است که تزویج مرد زن برادر خود را برای ابقاء نسل برادرش که فانی بوده و مخالفت او خداوند را بغضب خواهد درآورد . عدد ۸ تا ۱۱ باب ۳۸ سفر پیدایش متذکر است که عیر فرزند یهوذا پسر یعقوب وفات کرد پس یهوذا به پسر دوّمین خود اونان گفته برو

وزن برادر خودرا تزویج کن ونسل برادر خود را باقی دار . چون « اونان » دانست پسر اوّلین ازاو شمرده نمیشود نطفهٔ خود را بزمین میریخت . واین عمل از اونان درنظر خداوند زشت بود

﴿ عمانوئیل ﴾ . آیا . این در زمان یعقوب شریعت الٓهیه بوده است

﴿ قس ﴾ . فرزند . نه اینکه هرچه در توریة است سؤآل ازصحت آن نموده وازمن تصدیق میخواهی - مگر شمارهائیکه درسفر پیدایش بالأخره خداوند متعال را کاذب داشته ومار را ناصح وراست گو شمردند ازلحاظ نگذارنیده ودر صفحهٔ ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ این نسبت دروغ را توضیح نداده اید ؟

(عمانوئیل) . آیا . قبل از شریعت توریة شریعت الٓهیه بوده است ؟

(قس) . خندیده . وگفت بعض اصحاب ما وازآن جمله جمعیت « کتاب الهدایة » تصریح نموده ودرجزء ٤ صفحهٔ ۱۶۷ و ۱۶۸ و ۱۶۹ گفته اند « که پیشیان ازآدم وابراهیم ویعقوب برعادات

آنزمان رفتار کرده وشریعتی برآنها نرسیده است ، بلکه دراین دنیا برعادات جاریه رفتارمینمودند

(عمانوئیل) . آیا . صفحهٔ ۲۴۱ تا ۲۴۳ کتاب (الهدی) بنظر مبارك رسیده است

(قس) . بله . بله . آه . شرمندگی وافسوس ازدوجهت است یاازجهل اصحاب ما بکتب خود - یا - از شدّت تعصب وعناد آنها ، وهمین قدر عدد ۵ باب ۲۶ سفر پیدایش در سرزنش وتوبیخشان کافی است . خداوند باسحق خطاب فرمود . میگوید . « ازجهت انکه ابراهیم کلام مرا گوش داد وانچه برای من باید حفظ شود حفظ نمود اوامر وفرائض وشرایع را » ودراصل عبرانی است (عقب اشر سمع ابراهم بقولی ویشمر مشمروتی ، مصوتی ، حقوتی ، وتورتی)

(عمانوئیل) چیست که اصحاب مارا دراین ورطهٔ بزرگی فرو برده ومارا دچار محذور نموده است

(قس) چون بعض شرایع (قرآن) شرایع توریة وشرایع منسوبه بتلامیذ وبولس را نسخ نموده است اصحاب ما غرض

رائی داشته و گفته اند نسخ شرایع الهیه ممتنع و محال میباشد . لذا . شرائع قرآنیه را درعالم دیانت محال شمرده اند - ای کاش درچنین واهیات اقتحام ئینمودند

(عمانوئیل) . آیا . کتاب اظهارالحق . وصفحهٔ ٢٣٥ تا ٣٢١ کتاب الهدی را در مبحث نسخ دیده اید ؟

(قس) دیده وبر بدبختی اصحاب خودتأسف خورده ام

﴿ عمانوئیل ﴾ اگر نسخ شریعت درعالم دیانت ازمحالات شمرده میشود . پس - بفرمائید - فعلاً از شریعت تورتی که مسیح وانجیل اورا اثبات داشته و بحفظ آن وصیت فرموده است نزد نصاری چه موجود است ؟ وچرا کتاب اعمال رسولان ورسائل منسوب ببولس شرایع توریة را بلسان توهین واستهزاء ابطال نموده اند

(قس) ازخود انها پرسیده ازمن سؤآل مکن

(الیعازر) چون این امریست بزرگ وبحثی است سودمند وفائدهٔ آن درعالم دیانت بسیار است چرا دراطراف آن بحث نکرده ومتعرّض نشویم

﴿ قس ﴾ بزودی مختصری ازان را متذکر شده . وممکن

است درمستقبل باعمال رسولان و رسائل منسوبه ببولس رسیده مفصّلاً درانموضوع مذاکره نمائیم

ـــ﴿ عمل بتوریة ﴾ـــ

﴿ عمانوئیل ﴾ خواندم تا بعدد ٤٦ باب ۳۲ سفر تثنیة رسیده . گفتم . آقای من . موسی در این عدد وعدد ۱۲ باب ۳۱ وغیران . بعمل نمودن تمامی سخنان توریة تشدید فرمود . وبحفظ وصایا وفرائض مکتوبه درسفرشریعت بسیار تاکید نمود که « هرکه بآنها عمل نماید تمام لعنتها براوخواهد بود » وعدد ۱۵ تا ۲۰ باب ۲۸ ملاحظه شود . . ودرعدد ۲٦ باب ۲۷ « کسیکه کلمات این توریة را برای عمل اقامه نماید ملعون است » ـ آقای من ـ ما که ایمان بتوریة آورده واورا کتاب آسمانی میدانیم ـــ پس چرا عمل باو نمینمائیم . باانکه انجیل متی عدد ۱۷ تا ۲۰ باب ٥ هم ازلسان مسیح تصریح مینماید براینکه « برای نقض ناموس نیامده بلکه برای تکمیل او آمده است . وهرکه یکی ازاین وصیتها وصیت کوچك را شکسته ومردم را بشکستن اورا تعلیم داده درملکوت سموات کوچك خوانده شود » . چنانچه اناجیل هم تصریح میدارند

که مسیح تا حادثهٔ صایب بشریت توریه عمل میفرماید - آقای من . آقای من - پس چگونه ازاین لعنتها خلاصی خواهیم یافت

ـــ﴿ فداء مسیح از لعنت ناموس ﴾ـــ

﴿ قس ﴾ - خندان - گفت . فرزند ای عمانوئیل . وای عزیز من الیعازر . کلمات مرا شنیده و گرفته نشوید . الهامات مقدّسه که در عهد جدید ما بشارت بزرگی بنجات ما ازاین لعنتها داده است . در عدد ۱۳ باب ۳ رسالهٔ منسوبه ببولس است که باهل غلاطیه نوشت « مسیح ما را از لعنت توریه فدا کرد چونکه درراه ما لعنت شد چنانچه مکتوب است « ملعونست هرکه بردار آویخته شود » ! !

(الیعازر) آیا این کلام در عهد جدید مقدّس ما از بولس پیغمبر است ؟! بنا براین شخص مجالس غنا و طرب ورقص زنها رفته راستی گناهش از شنیدن اینگونه کلمات زشت واین نوع جسارت ورزی بحضرت مسیح کمتر است

(قس) . نه . ای الیعازر . بازی ورقص زنها درمجالس مردان ازعادات ملحدان و بت پرستان است

(الیعازر) . آقای من . مگر این کلمات زشتی که در بارهٔ مسیح میگویند از عبادتهای مؤمنان نیک کیش وخیر اندیش است ؟

– آقای من – منکه نمیتوانم انچه را در کتب مقدسهٔ ما است ومیخوانید بشنوم . وانها مرا گرفته وپریشان نموده است

(قس) ای الیعازر کسیکه دچار مرض فتق است باید در تحت عملیات دکترها صبر وتحمل نماید

(الیعازر) شخص مریض را بوسیله کرده بیهوشی خابانیده وصدمات عملیات را احساس نمیماید

(قس) . نه . نه . ممکن نیست عملیات روحیه را درخواب وبیشعوری بنمایند . چگونه ممکن است یا انکه شعور بزرگترین اسباب ومهمترین ونجاح آور آلات این عملیات بوده ودکتر را اعانه میدارد — ای الیعازر صبر کرده وبشنو وبنور شعور استضائه کن . ونجات خود راخواهان باش

(عمانوئیل) ای پدر بزرگوار . این کلام نه تنها بساحت مسیح جسارت ورزیده . بلکه بیشرمانه بقدس وعدل خداوندی تجری داشته . وبکذب وتحریف وتدلیس هم تشبث نموده است

(الیعازر) . فرزند ، بیان نمائید چگونه دروغ گفته وتحریف وتدلیس نموده است

(عمانوئیل) مراد این نویسنده از « مکتوب » آنچه در عدد ۲۲ و ۲۳ باب ۲۱ سفر تثنیه توریة « اگر بر انسان گناهیست که شریعت وحکم او قتل میباشد پس کشته شده و بر دار آویخته شود . شب بر دار نماند بلکه حتما اورا بروز دفن نمائید زیرا نکه بردار آویخته شده ملعون خدا است تا زمینت را نجس نسازی »

— ای پدر بزرگوار — این حکم توریة درباره گناه کاری است که بسبب خیانت ومعصیت بدار رفته وازاینجهت ملعون خداوند گردیده است وزمین هم ببقاء او نجس میشود — ودر توریة ننوشته است « هرکه بر دار آویخته شود ملعون خداوند است » — پدر — اگر مظلوم میباشد چگونه ملعون میگردد — آقای من — مراجعه نمائید چه قدر تحریف وتدلیس نموده وباین دروغ جسارت ورزیده

اعتراض شخص مسلمانی

در این بین مسلمانی بنزدیکی ما بوده ودرخواست نمود . آیا ممکن است من هم یک سؤال بنمایم ؟

(الیعازر) بپرس

(مسلمان) کتاب وحی شما « عهد جدید » مسیح را لعنت وملعون قرار داده . ومن طلب مغفرت مینمایم گناه این جمله برخود شما — ولی — سؤآل بالاتر از این است . روحانیان شما نوشته وعموم دیانت شما بلکه جملهٔ از کلمات عهد جدید بر این است که « مسیح خداوند متجسّد . واو همان خداوند است ولباس ناسوت را پوشیده است » پس بنا بر این بفرمائید . لعنت وملعون در نتیجه کیست ؟! نتیجه به چه کفر برمیگردد ؟! — خداوند مرا ببخش . زیرا من از این اظهار تنبیه بندگان تو را از غفلت گمراهی خواستم

﴿ عمانوئیل ﴾ ای رفیق . راستی در این سؤآل خود بما احسان فرمودید . وما هم در میدان بحث بوده وخواستار حق ونجات میباشیم . نه اینکه در حظیره تقلید وتعصب حق کشی مینمائیم

(مسلمان) در صورتیکه شما در میدان بحث براستی قدم برداشته وبا یك قصد خالصی جولان میدارید خداوند هم توفیق مرحمت خواهد فرمود — مرحمت زیاد — شما را بخدا سپردم — واگر

ازاين سؤآل من ملول شده ايد بخشيد

(اليعازر) . اى عمانوئيل . آيا درعهد جديد ما ديگر هم مانند اين جمله زشت خشم آور ومثل انچه درابواب سابقه توريه گذشت ديده ايد ؟ ـ يافت ميشود ؟ . يا . نه ؟

(عمانوئيل) ازحضرت قس بپرسيد

(قس) آرزومندم كه نداشته باشد ـ ولى ـ

« نه هرچه شخص طلب كرد بهره ور گردد « ماكلّ ما يتمنّى المرء يدركه ـــ بزودى درعهد جديد انشاء الله خواهم خواند وانچه دراواست خواهيد ديد

و (سُبحان رَبّك رَبِ اَلعزّةِ عَمّا يَصِفُونْ وَسَلامٌ عَلىَ)
(المُرسَلينْ وَالحمد لِلّهِ رَبّ العالمينَ)



(نجف اشرف مطبعهٔ ﴿ حيدريّه ﴾ ٢٣ ماه)
(مبارك رمضان سنهٔ ١٣٤٦)



صفحه	سطر	غلط	صحیح
۰۲	۰۹	ره از	ره ار
۰۰	۱۰	ایست	است
۰۰	۱۶	ورد	ورود
۰۳	۰۳	بهر	بهره
۰۵	۰۳	حقیق	حقیقی
۰۷	۱۲	اروا	اورا
۱۰	۱۱	مراجعت	مراجعهٔ
۰۰	۱۴	خلعت	خلعه
۱۴	۱۷	میماید	مینماید
۱۵	۰۶	مانده	ماند
۱۶	۰۸	میباشد	میشود
۱۸	۱۶	سوُق	سوَق
۱۹	۰۷	ابن	این
۲۳	۰۳	وفقط	فقط
۰۰	۰۵	ومردمی	از مردمی
۲۴	۰۱	امورکاری	آموزگاری

صفحه	سطر	غلط	صحیح
٠٠	١٧	سواداں	سوداں
٣٦	٠٣	«٢»	«»»
٠٠	٠٧	٤ فارسی	فارسی
٣٦	١٠	برع	برغ
٠٠	١٤	١٨٧	١٨٧٠
٠٠	٠٠	خاتمه	در بیروت خاتمه
٣٧	٠٦	الی الی	الی
٣١	١١	ولی	و
٣٢	٠٧	نداده است	فرمانی نداده است
٣٤	٠٩	بختضر	بختنصر
٣٦	٠٢	زمای	زیادی
٠٠	٠٣	بوسیبا	برسیبا
٣٧	٠٤	نویسنده ا	نویسنده
٠٠	٠٨	اکرم	اگرم
٣٨	١٦	٢٣ باب ٤٦	٢٤ باب ٢٦
٣٩	٠٧	استرائیلیان	اسرائیلیان

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۴۲	۱۷	وحی	بوحی
۴۳	۰۹	آلهیه	آلهی
۴۸	۱۰	مبشرین	مباشرینی
۵۱	۰۱	صدق	صدقی
۵۲	۰۸	ضلالاتی	ضلالاتیست
۰۰	۰۹	پیچیده	پیچیده است
۰۰	۱۰	عهدین	عهدین را
۵۴	۱۲	آن	این
۵۶	۰۹	آن است	این است
۰۰	۱۰	انکه	اینکه
۶۲	۰۲	ابن زمین	این زمین
۶۵	۰۳	بجاتم راده	بجاتم داده
۶۹	۰۹	ازموده	آموخته
۷۰	۱۷	مداوات	مداوا
۷۲	۰۴	گفتهای	گفته های
۰۰	۰۸	آن	دراطراف آن

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۷۴	۱۳	وقت	وقتی را که
۷۵	۰۹	عذد ٤	عدد ٤ میباشد
〃	۱۴	مصر	مصررا
〃	۱۵	نامختونیکه	نامختونیست که
۷۶	۰۴	پوزش	پوزش را
۷۷	۰۳	ازاسحق	ازاو
۸۲	۰۹	دهیم	میدهیم
۸۳	۰۵	میلرزد	میلرزید
۸۸	۰۳	معقول	معقول است
〃	۱۰	مزبور	مزمور
۹۰	۰۴	متفقنددرروایت	درروایت متفقند
۹۷	۰۴	خورا	خودرا
۹۸	۰۵	میخورند	میخورید
〃	۱۴	اظهارات است	اظهارات
۹۹	۱۴	گذشته	گذاشته
۱۰۳	۰۷	شدّت	ازشدّت

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۰٤	۰۳	و بین	بین و
۱۰۵	۰٤	شهر	در شهر
۱۰۷	۱٤	ولیم است	ولیم اسمت
۱۰۸	۰٦	این مواد	این موارد
۱۰۹	۰٦	کوفرار	گوفرار
۱۰۹	۱۱	دبگری	دیگری
۱۱۱	۱٦	بگانه	یگانه
۱۱۲	۰۸	کامل	کامل را
۰۰۰	۱۳	به پیروی	پیروی
۱۲۳	۰۲	ازاین	ازاین طرف
۰۰۰	۱۷	رادد	در
۱۲٦	۱٦	خداوند را	خداوند
۱۲۸	۱۷	مستور	مستور است
۱۳۰	۰۷	داری	۰۰۰
۱۳۱	٦٤	هستید	هستی
۱۳۲	۱۰	بمقصود	بمقصود را

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۳۷	۰۷	خود	خودش
۱۴۱	۱۶	اورا	او
۱۴۳	۱۲	اعانه	اعانت
۱۴۴	۰۳	آنچه	جملهٔ است که
...	۰۴	توریهٔ	توریهٔ است

صفحه (فهرست قسمت اوّل مدرسهٔ سیار)

صفحـــه

صفحه

صفحـــه

ف
٢٩٧٤م٦
ع ٠م م
١ج
٥٣٦٩